نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیستم- شماره ۸٤۵ یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹٦- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



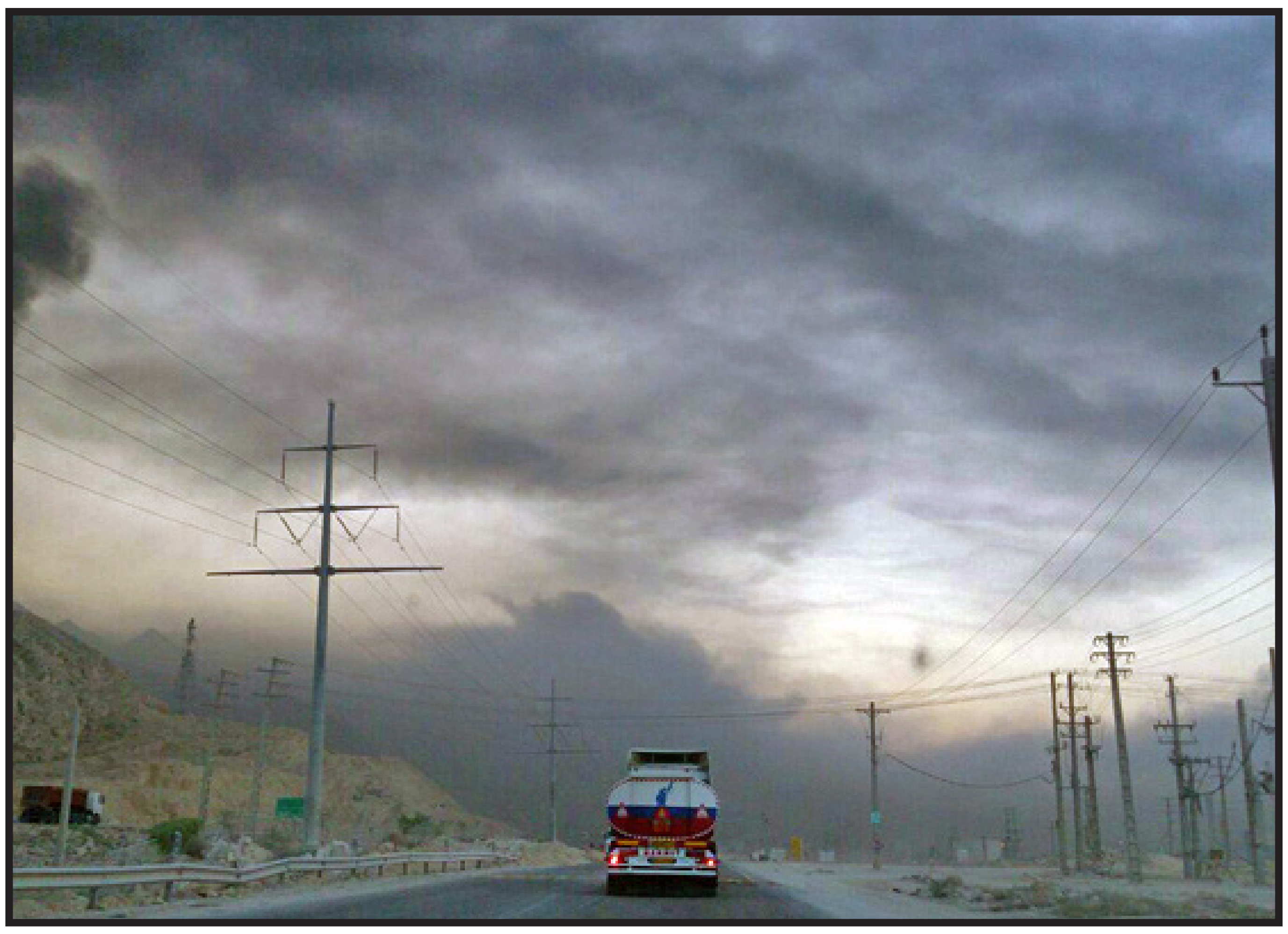
در نامه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان به وزیر کشور مطرح شد:

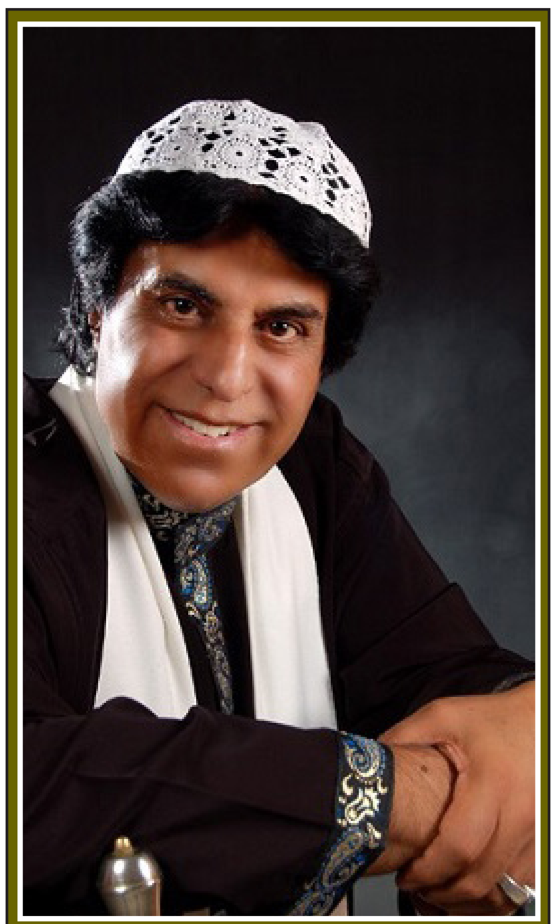
آنها که بدنبال تعیین تکلیف مدیریت استان بوشهر در پایتخت هستند هیچ نمایندگی از جبهه اصلاحات استان ندارند

صفحه ۸

بخشودگی حق آلایندگی پارس جنوبی، یا ظلم به مردم استان بوشهر

صفحه ۳





جهان و راه جهانی موسیقی بوشهر

حماسه حق پرست

صفحه ۴

۵

جوانه‌های بلوغ در شمالِ جنوب

محسِن رنانی

۵

گاو و گنجشک خرمن محیط زیست

نقدی بر یادداشت دکتر محسن رنانی در خصوص متوقف شدن اجرا پتروشیمی دشتستان

خضر خلیلی

٦

بیانیه جمعی از فعالان مدنی و شبکه تشکل های محیط زیستی استان بوشهر

بگذاریم دشتستان دشتستان بماند

۷

گزارش فیس بوکی استاندار بوشهر از سفر مهندس نعمت زاده به استان و کلنگ زنی پتروشیمی های دشتستان و شمال استان (دیلم):

توسعه و آبادانی را نباید بر مردم تحمیل کرد

نسیم جنوب ۲
خبر
شماره ۸۴۵ یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

محدوده منطقه آزاد تجاری – صنعتی بوشهر مشخص شد

استاندار بوشهرگفت: محدوده منطقه آزاد تجاری – صنعتی بوشهر از جزیره نگین و شیف تا گزبلند دشتستان را در بر می گیرد.

به گزارش ایرنا روابط عمومی استانداری بوشهر به نقل از مصطفی سالاری در نشست با فعالان سیاسی و اجتماعی شهرستان دشتستان اعلام کرد: ایجاد منطقه آزاد تجاری – صنعتی بوشهر که از مصوبات سفر دیماه ۹۳ هیأت دولت به استان بوشهر است در نوبت مطرح شدن در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

وی با اشاره به حواشی ایجاد شده برای آغاز عملیات اجرایی مجموعه اقتصادی کیمیاشهر دشتستان یادآور شد: ما در جانمایی پتروشیمی دشتستان دخالتی نخواهیم کرد و سرمایه‌گذار مخیر است هر جا که احساس امنیت و توجیه اقتصادی بیشتری کند سرمایه‌گذاری خود را انجام دهد.

سالاری ادامه داد: از این پس جذب و متقاعد کردن سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری در هر منطقه بر عهده مردم است.

وی با بیان اینکه تمامی مسایل زیست محیطی مجتمع پتروشیمی دشتستان مورد بررسی قرار گرفته است افزود: این مجتمع با ظرفیت تولید سالانه ۲۰ هزار تن در زمینه تولید پلاستیک خشک با استفاده از مواد اولیه متانول ایجاد می‌شود.

سالاری یادآور شد: پتروشیمی دشتستان نخستین واحد پلی‌استال ایران است.



وی با بیان اینکه انتظار مردم در خصوص اینکه کار ریشه‌ای در حوزه‌های عمرانی و شهری صورت گیرد مطالبه به حقی است تأکید کرد: اعتبارات استانی دشتستان از ۶۲ میلیارد تومان از سال ۱۳۹۵ به ۱۵۰ میلیارد تومان امسال افزایش یافت،که قطعا سبب پیشرفت در تحولات سازنده این شهرستان می‌شود.

استاندار بوشهر گفت: سال گذشته به استثنای شهرستان جم، هشت میلیارد تومان در حوزه آبخیزداری هزینه شد و این رقم امسال در شهرستان دشتستان به حدود ۵۵ میلیارد تومان می‌رسد که به طرح‌های آبخیزداری و احداث سدهای کوچک اختصاص می‌یابد.

سالاری با اشاره به اجرای طرح دهکده گردشگری دشتستان گفت: بخش اعظم اعتباری که پارسال به این طرح اختصاص یافت، صرف پرداخت هزینه زمین به مالکان شد و با طراحی صورت گرفته امسال عملیات اجرایی آن آغاز می‌شود.

استاندار بوشهر گفت: ۵۰ درصد بزرگراه برازجان – گناوه در دولت تدبیر و امید تکمیل و به بهره برداری رسید در همین راستا رفع نقاط حادثه خیز جاده اهرم–برازجان نیز در حال اجراست.

وی افزود: ۹ میلیارد تومان برای احداث بیمارستان جدید برازجان مصوب شد و با تخصیص ۴ میلیارد تومان اولیه به زودی عملیات ساخت آن آغاز می‌شود.

استاندار بوشهر با بیان اینکه در گذشته اعتبارات عوارض ارزش افزوده و تجمع آلایندگی صرفا به شهرستان‌های میزبان صنایع آلاینده پرداخت می‌شد گفت: اعتبار مذکور امسال تجمیع و به صورت استانی توزیع و پیش بینی می‌شود این رقم به حدود ۴۰۰ میلیارد تومان برسد.

سالاری افزود: پروژه‌های نیمه تمام روستایی امسال تکمیل می‌شود و تمامی روستاهای بالای ۳۰ خانوار استان بوشهر در دهه فجر امسال دارای گاز می‌شوند.

استاندار بوشهر گفت: با بهره برداری از آبشیرین کن، علاوه بر رفع مشکل کمبود آب در نوار ساحلی استان وضعیت آب شرب شهرستان‌های بالا دست مانند دشتستان مساعد می‌شود.

وی یادآور شد: معادل ریالی ۱,۵ میلیارد دلار اعتبار برای اشتغال روستایی اختصاص یافته است و در استان بوشهر نیز با استفاده ظرفیت از نخبگان بومی و توسعه منظومه‌های روستایی کار مطالعاتی برای توسعه اشتغال در این بخش آغاز شده است.

رئیس برنامه و بودجه بوشهر:

اختصاص ۸۸ میلیارد ریال برای بازسازی بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر از اختصاص ۸۸ میلیارد ریال برای بازسازی بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان خبر داد. به گزارش خبرنگار مهر، رضا عوض‌پور در جمع خبرنگاران اظهار داشت: سازمان برنامه و بودجه کشور ۸۸ میلیارد ریال را به بازسازی بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان اختصاص داد.

رئیس سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر افزود: تأمین اعتبار این پروژه از مصوبات سفر سال گذشته دکتر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور به استان بوشهر بود.

وی ادامه داد: خوشبختانه با پیگیری‌های مؤثر استان به ویژه استاندار بوشهر و نماینده مردم دشتستان در مجلس شورای اسلامی این اعتبار به استان ابلاغ شده است.

عوض‌پور بیان کرد: در مرحله اول ۴۰ میلیارد ریال نقدینگی آن تامین شده است.

مدیر کل بیمه سلامت بوشهر:

تکریم ارباب رجوع اولویت بیمه سلامت استان بوشهر است

مدیرکل بیمه سلامت استان بوشهر گفت: تکریم ارباب رجوع اولویت بیمه سلامت استان بوشهر است.

به گزارش خبرنگار مهر، پرویز رمضانی در سومین نشست شورای هماهنگی مدیران بازرسی، ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات مردمی دستگاههای اجرایی اظهار داشت: صیانت از حقوق بیمه شدگان از وظایف ذاتی این اداره کل و توانمندسازی یکی از برنامه های اصلی و اهداف متعالی سازمان بیمه سلامت است.

وی خاطرنشان کرد: ارائه خدمات مطلوب و صیانت از حقوق بیمه شدگان در راستای افزایش رضایتمندی بیمه‌شدگان یکی از رویکردهای مهم بیمه سلامت است.

مدیرکل بیمه سلامت استان بوشهر اضافه کرد: این سازمان به وکالت از بیمه شدگان، صیانت از حقوق آنان در مؤسسات تشخیصی درمانی را وظیفه ذاتی خود می داند.

وی تصریح کرد: برخورداری مراجعین از تمام حقوق شهروندی در ادارات تابعه این اداره کل امری ضروری و الزامی است و در همین راستا توانمندسازی بیمه شدگان نیز یکی از برنامه های اصلی و اهداف راهبردی سازمان بیمه سلامت است.

در این نشست اداره کل بیمه سلامت استان به عنوان دستگاه اجرایی برتر در استان بوشهر در سال ۹۵ در حوزه صیانت از حقوق شهروندی و تکریم ارباب رجوع معرفی شد.

مدیرکل بیمه سلامت استان بوشهر نیز گزارشی از اقدامات انجام شده توسط این اداره کل در زمینه اجرای شاخص های ماده ۶ صیانت از حقوق شهروندی و ماده ۸ انتشار دسترسی آزاد به اطلاعات را ارائه کرد.

آقای رییس جمهور؛ خارگ هنوز درّ یتیم خلیج فارس است

محمدرضا بلژیکی

سلام آقای رییس جمهور

اکنون که بار دیگر بارقه امید با تدبیر مردم ایران بر کشورمان تأبیدن گرفته و مردم فهیم ایران با انتخاب شایسته و مبتنی بر خرد جمعی رأی به استمرار دولت تدبیر و امید دادند، ما مردم جزیره خارگ در استان زرخیز و البته محروم بوشهر نیز خوشحالیم که سهمی هر چند اندک در این پیروزی بزرگ داشته‌ایم.

آقای رییس جمهور، در کنار تأسیسات نفتی زندگی می‌کنیم که صادرات حدود صد درصدی نفت ایران را به تمام دنیا برعهده دارد و نقش بزرگ مردم خارگ در دفاع از این آب و خاک و تأسیسات در همه سالهای جنگ بر همگان واضح و مبرهن است. اما از دیرباز تا کنون سالهای سختی بر مردم این جزیره گذشته و همچنان می‌گذرد. اگر در این زمان جشن پیروزی و هنگامه لبخندها، تلخند به لب داریم به سبب درد و محنتی است که سالیان سال است گرفتار آن هستیم و سرخی صورت‌مان را دیگر کسی یقین ندارد که از سیلی خود باشد یا خودی. اما یاد گرفته‌ایم که زبان به گله پیش غیر نگشاییم و دشمن شادکن نباشیم، چه آنکه توقع از مروت و مهربانی شماست که امیدوارمان می‌کند به گشودن سفره دل و صحبت از آنچه که بر ما رفته و می‌رود.

آقای رییس جمهور، همه نداری سی و اندی ساله ما جزیره‌نشینان خارگ خلاصه شد در چند بند مصوبات استانی حاصل سفر چندین رییس جمهور در سالهای گذشته به خارگ که شرم داشتیم از گفتنش در پیش اغیار، مبادا که کسی خجلت‌مان را ببیند و باور کند که مگر می‌شود زندگانی در یک چنین جزیره عظیم نفتی و با این‌همه کاستی! اما واقعیت است و متأسفانه گریزی نیست از گفتنش مگر به داشتن امیدی به دولت تدبیر و امید، که گرهی بگشایید از هزاران مشکلی که گریبان ساحل نشینان را گرفته است. باشد که خجلت‌زده در پیشگاه پیشینیان و آیندگان نباشیم.

آقای رییس جمهور، مشکلات تردد مردم بومی جزیره خارگ از مسیرهای دریایی و هوایی به شهرهای اطراف و سایر نقاط کشور همچنان به قوت خود باقی است و متأسفانه به شکل اساسی و زیربنایی حل نشده باقی مانده است. امروز حاصل اجرای مصوبه استانی مبنی بر خریداری دو کشتی بزرگ مسافربری و الزام دستگاههایی چون اداره بندر و پایانه ها و ... به پرداخت سهم‌شان در خریداری کشتی، شوربختانه سهم جزیره چیزی نبود جز بودجه‌ای آب رفته و کشتی کوچکی با وضعیت مالکیت نامعلوم که با نسیم بادی و نرمه موجی لنگر به جان مردم می‌اندازد و نای تکان خوردن از جای خود ندارد. براستی در کدام جزیره در خلیج فارس سراغ دارید که تا ده روز بدلیل شرایط جوی هیچ آذوقه‌ای حتی مایحتاج اولیه زندگی به جزیره نرسد، بطوری که ذخیره آرد نانوایی‌ها هم تمام شود. آیا حق این مردم چنین است؟

آقای رییس جمهور، مگر می‌شود مردمانی در گوشه ایران عزیز زندگی کنند که هیچ حقی بر ملک و کاشانه خود نداشته باشند و از داشتن سند مالکیت خانه مسکونی خود محروم باشند. سند مالکیتی که نداشتنش مشکلات زنجیروار دیگری از جمله دریافت وام و تأمین وثیقه را برای مردم به همراه دارد. چند سال دیگر باید بگذرد که این مردم در پی گرفتن برگ سندی قانونی برای احراز مالکیت و احیانا دریافت وامی برای خرید، تعمیر و یا ساخت مسکنی به این اداره و آن شعبه بانک رفته و دست خالی بازگردند. براستی احراز مالکیت و دادن حق مالکیت به مردمی که چندین نسل بر این جزیره روزگار گذرانده‌اند این چنین سخت است؟



آقای رییس جمهور، سهم جوانان خارگ از این همه تأسیسات نفتی و شرکت‌های تابعه نفت و پتروشیمی بیکاری نیست. جنگ نشان داد که بیشترین قشر آسیب پذیر در سالهای جنگ، مردمی بودند که از شغل‌های ثابت در ادارات و تأسیسات نفتی برخوردار نبوده و تمامی سرمایه و اندوخته زندگانی خود را در سالهای آوارگی جنگ از دست دادند. اما همین مردم در مقابل دشمن بعثی مردانه ایستادند و شهدای زیادی را تقدیم کشور کردند. بعد از جنگ نیز این مردم سهمی از جنگ نخواستند چندان که در دیگر مناطق جنگ‌زده معمول بود. نه وام بلاعوض بازسازی خواستند و نه دریافت کالاهای اساسی و نه حتی معافیت‌های سربازی چنانکه شامل فرزندان نیروهای مسلح و شرکت‌های تابعه نفت شد. اما خواسته حداقلی فرزندان این جزیره داشتن فرصتی شغلی چون همگان است که نانی به خانه ببرند و سرافکنده خانواده خود نباشند. آیا این خواسته زیادی است؟

آقای رییس جمهور، محروم بودن از گاز و لوله‌کشی گاز شهری در این جزیره کوچک نفتی خارج از دایره انصاف است. زیبنده نیست در کنار تأسیسات عظیم نفتی و این همه گازی که همراه با نفت تولید می‌شود و بیشتر هم سوزانده می‌شود دیدن زنان و مردان سالخورده جزیره که بعد از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، هنوز کپسول گاز به دوش داشته باشند و از داشتن لوله‌کشی گاز برخوردار نباشند. براستی هزینه اجرای لوله‌کشی گاز در جایی که فاصله منطقه شهری تا تأسیسات نفتی بیش از سه چهار کیلومتر نیست چقدر است که هیچ نهاد و یا مسئولی زیر بار اجرای آن نمی رود؟

آقای رییس جمهور، گفتن از نداشته‌ها و عدم برخورداری از حقوق اولیه انسانی مثنوی هفتاد من کاغذ است که پیشترها بسیار گفته شده و البته هم بدون فایده. اما حق مردم جزیره خارگ این نیست که آب شرب روزانه نداشته باشند، سند مالکیت ملک خود و اجداد خود را نداشته باشد، اشتغال پایدار در تأسیسات نفت و پتروشیمی نداشته باشد، بیمارستان تأمین اجتماعی نداشته باشند، اورژانس هوایی نداشته باشند، کشتی مناسب برای تردد دریایی نداشته باشند، هواپیمای عمومی برای تردد نداشته باشند، شبکه فاضلاب فعال نداشته باشند، اداره آبفا نداشته باشند، اداره ثبت نداشته باشد، شبکه مخابرات و آنتن دهی موبایل در حد معمول نداشته باشند، پلیس ۱۱۰ نداشته باشند، آزمون گواهینامه رانندگی نداشته باشند، سیلوی ذخیره آرد و مایحتاج عمومی نداشته باشند و بسیاری نداشته‌های دیگر.

آقای رییس جمهور، ما مردم جزیره خارگ چون گذشته استوار در مقابل همه ناملایمات و کاستی‌ها ایستاده‌ایم و خواهیم ایستاد و برای زدودن چهره محرومیت از جزیره‌مان اول امید به خدا و بعد دل به تدبیر شما بسته‌ایم. ما مردم جزیره خارگ برادری‌مان را با شما در انتخابات اردیبهشت ۹۶ ثابت کردیم که همچنان پشت و پناه شما بوده و هستیم. اما اکنون نوبت اثبات برادری شماست.

منبع: نخ نیوز (سایت خبری خارگ)

معاون سوادآموزی بوشهر:

طرح‌های متنوع توسعه سوادآموزی در استان بوشهر اجرا می‌شود



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: طرح‌های متنوع توسعه سوادآموزی در استان بوشهر اجرا می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامرضا دانش‌فر در نشست با مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر اظهار داشت: تلاش های بسیار خوبی برای توسعه سوادآموزی در استان بوشهر صورت گرفته است و طرح‌های خوبی را در دست اجرا داریم.

وی به چالش‌های پیش روی حوزه کاری سوادآموزی در استان اشاره کرد و افزود: کمبود شدید نیروی انسانی، اعتبارات و عدم همکاری بخشی و بین بخشی از مشکلات عمده پیش رو حوزه سوادآموزی استان است که انتظار درمان اساسی آن داریم.

معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر ادامه داد: با وجود همه این چالش‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در رشد باسوادی افراد زیر ۴۹ ساله در کل کشور مقام اول را کسب کردیم.

دانش‌فر تصریح کرد: در طرح خواندن با خانواده، تبلیغات و تدوین برنامه سالانه و آمار تحت پوشش مقام هایی شایسته ای را کسب کردیم.

وی بیان کرد: در صورت مشارکت همه فرهنگیان و مدیران مدارس و رؤسای آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق شاهد رفع بی سوادی در گروه سنی ۱۰تا ۴۹ ساله در استان خواهیم بود.

دانش‌فر گفت: در سال جاری تحصیلی با اولویت قرار دادن آموزش اولیا بی‌سواد دانش آموزان، باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله، آموزش کودکان بی سواد در معرض آسیب‌های اجتماعی و اجرایی طرح بنی تعداد افراد بی‌سواد در شهرها و روستاهای استان به حد مطلوب جهانی خواهیم رساند.

تعمیم و تعمیق فرهنگ نماز بین سوادآموزان بوشهری



معاون سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: به منظور اشاعه فرهنگ نماز در بین سوادآموزان دوره های مختلف طرح آموزش عملی نماز کلید بهشت اجرا خواهد شد.

به گزارش از آموزش و پرورش بوشهر، غلامرضا دانش فر در جلسه بهبود کیفیت سوادآموزی استان با اشاره به اهمیت بالای اشاعه و گسترش فرهنگ نماز در جامعه، اظهار داشت: طرح آموزش عملی نماز «کلید بهشت» بین سوادآموزان دوره های مختلف سوادآموزی در یکی از شهرستان ها و مناطق ۱۸گانه استان که دارای فعالیت و آمادگی اولیه خوبی بوده اند برگزار خواهد شد.

وی با تأکید بر اهتمام ویژه مجموعه سوادآموزی در تعمیم و تعمیق فرهنگ نماز به عنوان یک وظیفه ذاتی گفت: علاوه بر سرلوحه قرار گرفتن آموزش مداوم نماز در طول هر دوره های مختلف سوادآموزی و ایجاد شرایط مناسب برای فراگیری نوسوادآموزان، با همکاری و مشارکت ستاد اقامه نماز استان طرح آموزش عملی نماز «کلید بهشت» تا پایان سال ۱۳۹۶ اجرا خواهد شد.

دانش فر در ارتباط با محتوای آموزشی این طرح معنوی نیز بیان داشت: کتاب نماز کلید بهشت، راهنمای آموزشی و لوح آموزشی (اپلیکیشن) سه منبع محتوایی این طرح می باشد که در اختیار سوادآموزان قرار می گیرند.

وی گفت: به منظور تقویت انگیزه عوامل اجرایی، فعال ترین افراد مجری طرح نماز کلید بهشت انتخاب می شوند و با اهداء لوح تقدیر مورد تشویق قرار خواهند گرفت.

صیادان دستگیر شده بوشهری هستند

رئیس هیأت مدیره اتحادیه صیادان کشور: طبق آخرین اطلاعات به دست آمده دو صیادی که توسط نیروهای قطری در مرز آبهای هرمزگان و قطر دستگیر شدند از ماهیگران بوشهری هستند که با مجوز شیلات مشغول ماهیگیری بودند.

هنوز هیچ اطلاعاتی از وضعیت این دو صیاد در دست نیست و در این خصوص باید منتظر واکنش وزارت خارجه ماند تا خبرهای تکمیلی به دست آید.

مرگ دو کارتن خواب دیگر در عسلویه

سرهنگ سهام صالحی رئیس پلیس عسلویه در تشریح این خبر گفت: دو جسد در حاشیه شهر پیدا شده که هیچ کدام از آن ها قتل یا موضوع امنیتی نبوده است، بلکه افراد متوفی، معتادان کارتن خواب و تزریقی می باشند که برابر اعلام مراجع مسئول این افراد به دلیل اعتیاد به مواد مخدر، گرمای شدید هوا، سوءتغذیه و سایر عوارض مرتبط فوت کرده اند.

درخواست نمایندگان استان فارس برای لغو مصوبه ۵۰ درصدی مصوب نشد

موسوی مدیرکل سیاسی و امنیتی استانداری بوشهر گفت: در حالی که دولت دهم بکارگیری ۵۰ درصد از نیروهای بومی استان بوشهر در تأسیسات نفتی این استان مصوب کرد، نمایندگان استان فارس خواستار لغو این مصوبه شدند که در هیأت دولت رأی نیاورد.

براساس مصوبه دولت دهم و قانون و برنامه ششم توسعه کشور، کلیه دستگاه‌های اجرایی دولتی و بنگاه‌های اقتصادی نهادهای عمومی غیردولتی موظف هستند که ۵۰ درصد از نیروهای مورد نیاز خود را از بومیان درون استان بوشهر انتخاب کنند.

فارس

درگیری پسری با پدرش منجر به مرگ شد



فردی ۳۸ ساله به هویت "ح" در کوچه "حاج نجف بوشهر " پس از مشاجره با پدر خود با چند ضربه چاقو به قلب پدر وی را مجروح و سپس با چند ضربه چاقو خودش را نیز مجروح می کند.

هر دو نفر به بیمارستان منتقل شده که به علت شدت جراحات وارده پدر به هویت "م"۷۵ ساله فوت و پسر نیز با حضور عوامل پلیس تحت درمان می باشد.

علت گرانی مرغ و تخم مرغ در استان

گرمای هوا و کاهش تولید علت افزایش گرانی مرغ و تخم مرغ در استان بوشهر است.

معاون بازرگانی جهاد کشاورزی استان: در روزهای اخیر قیمت مرغ در استان به بیش از ۸ هزار تومان و تخم مرغ هم به ۵۰۰ تومان رسیده است.

قیمت مصوب برای مرغ ۸ هزار تومان و تخم مرغ هم ۴۰۰ تومان است

قتل شهروند برازجانی و شناسایی عامل آن

فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: فردی که یک شهروند برازجانی را با استفاده از سلاح گرم به قتل رساند و متواری شد، شناسایی و تلاش برای دستگیری این متهم ادامه دارد.

به گزارش ایرنا، روابط عمومی فرماندهی انتظامی استان بوشهر به نقل از سردار حیدر عباس زاده افزود: بر اثر تیراندازی یک نفر موتورسوار در محل اتحادیه نانوائیان شهر برازجان به سمت فردی با هویت معلوم این فرد مجروح و به بیمارستان منتقل شد که به دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان درگذشت.

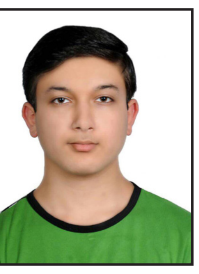
وی بیان کرد: عوامل پلیس در محل حادثه حاضر، پس از انجام تحقیقات اولیه، هویت ضارب شناسایی و تلاش جدی برای دستگیری وی ادامه دارد.

عباس زاده یادآور شد: برابر بررسی اولیه علت تیراندازی اختلافات مالی بوده است.

نسیم جنوب
مقاله ۵
شماره ۸۴۵ یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

علوم انسانی، رشته ای مظلوم

علیرضا فقیه



چرا باید از شایعه های گاه و بی‌گاه حذف رشته انسانی دبیرستان و برداشتن رشته‌های علوم انسانی دانشگاه تعجب کنیم یا ناراحت شویم؟ انصافاً کدام یک از ما حاضریم بچه بااستعداد خود را با معدل ۲۰ تشویق کنیم، انسانی بخواند و دانشگاه که رفت جامعه‌شناس و ادیب و تاریخ دان و حقوقدان شود؟ مگر پدر و مادرهای ما از همان دو سالگی به ما نمی گفتند که «ماشاالله پسرم آقا دکتره»، «دخترم خانم مهندسه». بر فرض این ها را قبول کنیم، آیا واقعاً جای تعجب و ناراحتی دارد؟ مگر این خواست فرهنگ عمومی نیست؟ مگر همه ما را نصیحت نمی‌کنند که فلانی حیف است بچه‌ات برود انسانی؟

فرمول بتن بهتر است یا جامعه؟

ظاهراً درست است که بگوییم این فرهنگ کشورهایی مثل ایران است که پیشرفت را در توسعه علوم مهندسی و تجربی می‌بینند. زمانی این احساس را جهان دومی‌ها نسبت به جهان اولی‌ها داشتند. فرهنگ عمومی ما فناوری را برتر و ارجح‌تر از دانش انسانی می‌داند و فرمول ساخت آسفالت و بتن را بالاتر از شناخت کالبد جامعه و روان انسان و روابط متن می‌پندارد. در مرحله بعد اگر برای چنین چیزی ارزشی هم قائل شود، آن را دور از اقتصاد خانواده می‌بیند؛ اما در نهایت پس از آموزش فناوری، در جایگاه یک تحصیلکرده علوم انسانی دنبال کار می‌گردد. این تناقض پیچیده و حل نشدنی از گذشته تا همین امروز که به ضرب و زور بچه‌ها را به خواندن ریاضی و مثلثات وا می‌داریم، پیداست. اولین تحصیلکرده‌های ایرانی در غرب هم دنبال مهندسی معماری و چشم پزشکی و نجوم رفتند و ادب و اقتصاد و حقوق و تاریخ و جامعه شناسی را علم به حساب نیاوردند که نیاوردند.

ستون هایی از جنس علوم انسانی

تردید نکنید اگر سدی در خود کوه نمک حل می‌کند، اگر پلی در باران بهاری فرو می‌ریزد، اگر اتوبانی مشکل ترافیک را حل نمی‌کند و خود به گرهی تازه تبدیل می‌شود، اگر بخیه زخمی تازه با بی‌پولی بیمار کشیده می‌شود، اگر ۸۵ درصد منابع آبی صرف ناچیزترین درآمد ملی و کم اشتغال ترین بخش کشور یعنی کشاورزی می‌شود، اگر تکنولوژی حفر چاه‌های عمیق و جاده کشیدن در دریاچه، بزرگ ترین تالاب کشور را می‌خشکاند، اگر بالابرها سقوط می‌کنند و اتومبیل‌ها مچاله می‌شوند، پیش از ضعف مهندسی، ضعف در علوم انسانی را به نمایش می‌گذارند. مهندسی که نمی‌داند برای چه می‌سازد و در چه فرهنگی و چه جامعه‌ای و برای چه انسانی و با چه پیشینه تاریخی می‌سازد، سازه‌اش حتماً فرو خواهد ریخت.

مدرسه فرهنگ، مدرسه انسانیت

ورود به رشته علوم انسانی بسیار آسان است، برای همین هر دانش آموزی که معدل پایین دارد وارد رشته علوم انسانی می‌شود و سطح این رشته به لحاظ کیفی پایین آمده است. به همین علت تصمیم گرفته شد تا مدارس ویژه علوم انسانی برای دانش آموزان علوم انسانی تأسیس شود.

از همین رو، مدارسی با نام مدارس «فرهنگ»، مختص به رشته علوم انسانی، در سطح کشور دایر گردیده است. در حال حاضر حدود ۱۵ مدرسه فرهنگ در سطح شهر تهران فعال است. بر اساس آنچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است، ارتقای کیفی رشته علوم انسانی مد نظر است؛ اما با سیستم فعلی فقط به لحاظ کمی ارتقا پیدا می‌کنیم. در سند تحول بنیادین بر شناسایی استعدادهای برتر و هدایت آنها به ادامه تحصیل در رشته‌های علوم انسانی تأکید شده است.

پذیرش دانش‌آموزان در این دبیرستان‌ها از بین قبول‌شدگان پایه نهم که حداقل معدل ۱۷ را دارا هستند، بر اساس آزمون ورودی انجام می‌شود و ادامه تحصیل آنان در این دبیرستان‌ها منوط به حداقل نمره ۱۲ در هر ماده درسی و معدل سالانه ۱۵ است. سوابق تحصیلی ۹۰ درصد از دانش‌آموزان پایه نهم شهر تهران با حداقل معدل مقرر در آیین‌نامه تأسیس مدارس دولتی فرهنگ مطابقت دارد. به عبارت دیگر بیش از ۹۰ درصد از دانش‌آموزان پایه نهم دارای شرط معدل به منظور ورود به دبیرستان‌های دولتی فرهنگ هستند. بدیهی است که اولویت پذیرش داوطلبان در رشته ادبیات و علوم انسانی با رعایت سقف ۲۰درصد از دانش‌آموزان شاخه نظری با دانش‌آموزانی است که از سوابق تحصیلی بهتری برخوردارند.

پرتو امیدبخش یا زلزله ویرانگر؟

مسئولان در نظر دارند سر و سامانی به رشته علوم انسانی دهند و البته این موضوع بسیار هم خوب و پسندیده است؛ چرا که علاقه‌مندان رشته علوم انسانی روز به روز بیشتر می‌شوند و باید کسانی وارد این رشته شوند که استعداد ویژه‌ای دارند. البته ما هم قبول داریم مدارسی که به تدریس علوم انسانی می‌پردازند، موفق‌تر عمل می‌کنند؛ مثل مدارسی که به تدریس صرف علوم ریاضی و تجربی می‌پردازند. در مدارس فرهنگ، توجه و تمرکز اصلی بر رشته علوم انسانی خواهد بود و دانش‌آموزان مشتاق واقعی علوم انسانی به این مدارس سرریز خواهند شد.

مسئولان باید مراقب باشند تا فضای مدارس درگیر ایدئولوژی خاصی نشود و دانش‌آموزان علاقه‌مند بتوانند براحتی وارد مدارس فرهنگ شوند. البته از مسئولان آموزش و پرورش هم می‌خواهیم که مدارس عادی علوم انسانی را تعطیل نکنند؛ چرا که شاید امکان دسترسی همگان به مدارس فرهنگ وجود نداشته باشد. برخی بر این باورند که با این تصمیم شاید رشته علوم انسانی محدود شود و دانش آموزان علاقه‌مند به این رشته هم به علت نبود مدرسه نتوانند در رشته مورد علاقه شان تحصیل کنند.

بخشودگی حق آلایندگی پارس جنوبی، یا ظلم به مردم استان بوشهر

بابک فقیه



جناب آقای سالاری استاندار بوشهر، در میان این هیاهوهای زیست محیطی اخیر پیرامون احداث پتروشیمی دشتستان، موضوعی به شدت خودنمایی می کند که نمی توان به آسانی از آن عبور کرد! واقعیت این است که گرچه من فعال یا پیگیر و کارشناس امور مربوط به محیط زیست نیستم، اما حیرانم از آن، که چرا دوستداران محیط زیست و فعالان مدنی، به سادگی، بی توجه به موضوع، از آن عبور کردند!

حدود چند ماه پیش، شنیدم که برخی از پالایشگاههای پتروشیمی واقع در پارس جنوبی، از طرف سازمان محیط زیست، از پرداخت حق آلایندگی خارج شده اند و به همین جهت، از پرداخت رقمی حدود ۶۰۰ میلیارد تومان، بابت پرداخت حق آلایندگی دو سال خود، به مردم استان بوشهر بخشیده گردیده اند! اما با وجود کمی کنکاش و کنجکاوی ای که همان موقع پیرامون موضوع کردم، چیز زیادی بیشتر از همان خبر دستگیرم نشد و طبیعتاً چون استنادی هم وجود نداشت، رفته رفته موضوع در ذهنم کمرنگ شد! تا اینکه حدود یکماه پیش، مجدداً چندین بار لابلای برخی گفته ها و خبرها، همان موضوع را شنیدم! از آنجا که این موضوعات کاملاً تخصصی است و سنجش میزان آلایندگی ها از حوزه ی دانش عمومی فاصله دارد، باز هم آنچنان توجهی نکردم! تا اینکه به یکباره خبری از شما خواندم که تلویحاً بیان کرده بودید که سازمان محیط زیست بی جهت و بدون استناد کارشناسانه و بررسی درست و دقیق، برخی از فازهای پتروشیمی و گازی در عسلویه را معاف از پرداخت حق آلایندگی کرده است!! (چیزی نزدیک به همین مضمون!) و دوباره و سه باره، طی همین ۷۲ ساعت اخیر، در کمال حیرت، باز هم از زبان شخص حضرتعالی، تکرار همانها را شنیدم! با خواندن و شنیدن گزارشات جلسات و مصاحبه های شما، به یقین دریافتم، که آن شایعه های پیشین، ظاهراً بر پایه ی یک حقیقتی استوار است، که احتمالاً تا کنون برای مخفی ماندنش تلاش بسیاری شده است!! چرا که اگر به واقع به چنین توفیقات تکنولوژیک صنعتی دست یافته بودند و در آنجا بکار گرفته بودند، بارها در بوق کرنا می کردند که مردم شریف چه نشسته اید که فلان فازها و واحدهای تولیدی پتروشیمی وگازی در عسلویه طبق استانداردهای بین المللی فلان و بهمان محیط زیستی، بدون کوچکترین آلایندگی و آلودگی محیط زیستی در حال تولید ثروت و سرمایه است و ...

اما همه می دانیم که نه تنها چنین تبلیغات و حتی اطلاع رسانی هایی پیرامون موضوع نشده، بلکه مدام نیز از سوی مردم محلی و تلاشگران مستقل محیط زیستی، شاهد انواع و اقسام نارضایتی ها از آلودگی ها و آلایندگی های آن صنایع به هوا و دریا هستیم!!

اصولاً باور رسیدن به آن مرحله نیز فعلا دور از باور است! اصولاً چه امیدی می توان از سازمان مسئولی داشت که مجاور یکی از بزرگترین میادین گازی و صنایع پتروشیمی جهان، فقط به استقرار سه چهار کارمند اکتفا کرده است! آن هم در شرایطی که بواسطه ی آن تشکیلات عظیم و طویل، دستکم می بایست بزرگترین مرکز تحقیقاتی محیط زیستی خاورمیانه در آنجا احداث می شد!!؟

آقای استاندار، به هر صورت اگر موضوع معافیت صحیح و دقیق باشد، فاجعه و خیانتی آشکار در حق همه ی مردم استان صورت گرفته است!

شما خود بهتر از من می دانید که معادل ریالی حق آلایندگی ها که مستقیم به شهرداری ها و دهیاریها پرداخت می شود، باعث چه عمران و آبادی و خدمات وسیعی در سطح شهرها و روستاها و کلاً شهرستانها و بخشداریهای استان می شود. اما با این وجود، بطور طبیعی هر انسان عاقلی، آرزو می کند که محیط زیستی پاک و سالمی داشته باشد، تا اینکه بخواهد بابت آلوده شدن محیطی که در آن تنفس می کند، وجه جریمه ای را بنام حق آلایندگی دریافت کند! اما ماجرا آن وقتی تأسف آور و دردناک است، که منابع خدادادی استانت را ببرند، محیط دریا و هوای استانت را سرشار از انواع و اقسام ترکیبات شیمیایی سمی و خطرناک بکنند، در نهایت نیز بدون دلیلی کارشناسانه و فنی، مفتخر به مدال و گواهینامه ی صنعت سبز شوند و بابت آن آلودگی ها، هیچ جریمه ای هم پرداخت نکنند! این دیگر اجحافی مضاعف و آشکار به مردم دیاری ست که مدام با گذاشتن هندوانه ی نجابت، صبوری و غریب نوازی به زیر بغلش، حقش را لگدمال کرده اند.

پرداخت حق آلایندگی ها، دستکم دو مزیت عمده برای مردم دارد:

۱- صنایع را از آن جهت که زودتر بتوانند از شر پرداخت حق آلایندگی معاف شوند، ترغیب و تشویق می کند، تا هر چه سریعتر، تکنولوژی های روز دنیا را بکار گیرند و با پیوستن واقعی و تکنولوژیک به جمع صنایع سبز، آلودگی کمتری ایجاد کنند و هر چه سریعتر آب و هوای شهروندان را از شر انواع خطرهای آلوده ی خود معاف دارند!

۲- طبیعتا پرداخت این حق آلایندگی ها، دستکم باعث بخش زیادی از عمران و آبادی شهری می شود، که بطور مستقیم شهروندان از آن بهره می برند.

حال با توجه به این عرایضی که خلاصه به خدمتتان ارائه کردم خواهشمندم، با وجود اینکه قبلاً در مصاحبه های خود اشاراتی به موضوع داشته اید و متأسفانه تقریباً صحت آن را تأیید کرده اید، اما جهت بررسی و روشن شدن دقیقتر و جزیی تر ماجرا و همچنین عدم ضایع شدن حقوق طبیعی مردم استان بوشهر، دستوراتی صادر فرمایید تا تیمی متخصص و مجهز و صد البته مستقل از سازمان محیط زیست و صنعت نفت و گاز تشکیل شود تا هر چه سریعتر موشکافانه میزان آلایندگی های فازها و واحدهای معاف شده را محاسبه نمایند و بطور دقیق صحت و سقم و چرایی ماجرا را مشخص کنند و موجبات بازگشت حقوق از دست رفته مردم استان بوشهر فراهم آید.



بی توجهی به اشتغال نیروی بومی در پارس جنوبی

سیاوش گرمسیری نژاد

جناب آقای منفرد، ریاست کار و خدمات اشتغال منطقه ی ویژه پارس

چندی پیش گزارشی که در سایت منطقه ویژه منتشر شده بود را مطالعه می کردم، که در آن به نکاتی در خصوص چگونگی بکارگیری نیروهای بومی در پروژه های پارس جنوبی صحبت هایی ایراد فرموده بودید، جناب آقای منفرد نکته ای که توجه من را به خود جلب کرد، که در آن اشاره شده بود: "مدیریت کار و خدمات اشتغال منطقه ویژه پارس به عنوان متولی ساماندهی حوزه اشتغال پارس با اسناد بالادستی وزارت نفت فعالیت می کند.

نمی دانم از کدام ساماندهی صحبت کرده اید؟ نگارنده به عنوان فعال حوزه کارگری و فعال اجتماعی در دوسال اخیر که در این منطقه مشغول به فعالیت می باشد هیچ گونه حرکتی از آن سازمان به عنوان متولی کار و خدمات اشتغال در جهت ساماندهی نیروهای پیمانکاری و پیگیری مطالبات آنها مشاهده ننموده ام. نمی دانم مطلع هستید یا خیر که از اسفند ماه سال ۱۳۹۵ پالایشگاه نهم پارس جنوبی تغییرات گسترده ای در بخش پیمانکاری داشته است.

در پیمان جدید، تعمیرات و نگهداری کل پالایشگاه به مدت دو سال به یک پیمانکار سپرده شده است. با توجه به نوع مدیریت پیمانکار از همان اوایل، نارضایتی های کارگران شروع شد که این نارضایتی ها بیشتر در قالب اعتصابات کارگری نمود پیدا کرد و خبر آن در تمامی کانال های خبری پارس جنوبی و سایت ایلنا درج شد، حتی اعتصابات تا اواخر اردیبهشت ماه و تا نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری که یکی از حساس ترین اتفاقات در تعیین سرنوشت مردم یک کشور است ادامه پیدا کرد اما خبری از یک مسئول حتی در سطح کارشناس اداره خدمات اشتغال برای پیگیری مشکلات و یا برگزاری جلسه ای با پیمانکار برای بررسی موضوع نبود و اگر هم آمدند به اتاق کارفرمای مادر رفته و با هیچ کدام از کارگران جهت روشن شدن موضوع صحبتی انجام نشد.

این موضوع بسیار طبیعی و حق شماست که از مدیریت خود در مقام دفاع برآیید اما قضاوت عملکرد شما، به عهده افرادی است که این مدیریت را لمس می کنند. شاید سخنی به اغراق نرفته باشد اگر بگویم ما کارگرانی که در پارس جنوبی فعالیت می کنیم نه تنها اداره کار و خدمات اشتغال را حامی خود نمی دانیم بلکه این احساس بر ما غلبه کرده است که بیشتر اوقات دوش به دوش پیمانکاران خواسته یا ناخواسته در جهت تضعیع حقوق کارگران گام برداشته است.

به عنوان مثال نمونه ای برای شما بیان می کنم، در پیمان جدید پالایشگاه نهم تمامی کارگران به صورت چهارده روز کار و هفت روز مرخصی برای شرکت مجتمع پارس جنوبی کار می کنند. با توجه به قانون کار همانگونه که حضرتعالی مستحضر هستید تمامی کارگران حق استفاده از سی روز مرخصی، در سال را دارند اما این در حالیست که در دفترچه پیمان قید گردیده است که ۲/۵ روز مرخصی ماهانه در همان هفت روز گنجانده شده است. و حتی اگر بخواهیم این قانون را نادیده بگیریم و به قانون مناطق ویژه رجوع کنیم در ماده ۲۴ قانون مناطق ویژه آورده شده است که مرخصی سالانه استحقاقی کارگران با احتساب روزهای جمعه جمعاً بیست روز می باشد. که به این معنی است ماهیانه ۱/۵ روز مرخصی استحقاقی می توانیم استفاده کنیم.

عدم اجرای این قانون یعنی نقض صریح قانون توسط شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، که ما برای روشن شدن موضوع، طی نامه ای به آن مدیریت، درخواست استعلام قانونی کردیم که آنها نیز حق را به پیمانکار دادند و ما را به دفترچه پیمان سپرند و به این موضوع صحه گذاشتند. تمام استدلالشان عرف منطقه بود تا قبل از آن نمی دانستم که عرف می تواند از قانون سبقت بگیرد. سؤالی که در اینجا مطرح می گردد این است که ریشه قانونی کار اقماری از کجا سرچشمه می گیرد؟ به نظر شما آیا کارمندان رسمی صنعت نفت و گاز از نظر آناتومی بدن با کارگران پیمانکار متفاوت هستند که علاوه بر هفت روز استراحت ۳۰ روز مرخصی استحقاقی در سال را استفاده می کنند؟

از دشمنان برند شکایت به دوستان
چون دوست دشمنست شکایت کجا بریم.

در جای دیگر از دفترچه پیمان آمده است که مدت زمان کار در روز ۱۲ ساعت می باشد، طبق جدول حقوقی سال ۱۳۹۶ صادره از مدیریت کار و خدمات اشتغال فرم شماره ۹۶۰۱ مدت زمان کارکرد در فروردین ماه ۱۵۴ ساعت می باشد، حال فرض کنید فردی طبق همان کارکرد ۱۴ روز کار و هفت روز استراحت در فروردین ماه، ۱۹ روز در پالایشگاه حضور داشته باشد که طبق دفترچه پیمان ۲۲۸ ساعت کارکرد دارد. ما به التفاوت این دو زمان تقریبا ۷۴ ساعت است. به نظر جنابعالی اضافه کار قانونی به وی پرداخت می شود؟ باید بگویم خیر با توجه به ثابت بودن حقوق کارگران فقط بندی به عنوان اضافه کار در آن قید شده که حقوق طبق بندهای مربوطه به عبارتی شکسته یا Break Down می شود.

طبق ماده ۳ قانون و مقررات اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد تجاری و صنعتی، نظارت اجرای مقررات و رعایت حقوق کارگران و کارفرمایان و انجام تعهدات پیش بینی شده در ارتباط با قرارداد کار برعهده سازمان منطقه خواهد بود. آیا با وجود این بند، شما مطلع هستید که قانون افزایش حق مسکن کارگران مصوب ۱۳۹۵/۸/۲۶ هیئت وزیران که از ابتدای مهرماه سال گذشته باید اجرا می شده تا پایان بهمن ماه به بخش بزرگی از کارگران پرداخت نشده است ؟

جناب آقای منفرد نمونه هایی از این دست در پیمان جدید پالایشگاه نهم بسیار زیاد است اما از حوصله این مقاله خارج می باشد. به زبان آوردن کلمه ی ساماندهی با اجرای آن بی شک زمین تا آسمان تفاوت دارد.

در بخشی دیگر از سخنان خود به موضوع جذب نیروهای بومی و تعامل با دستگاهای مختلف در جهت کمک به اشتغال این نیروها اشاره فرمودید، باید به عرض شما برسانم در این بخش هم دچار بحران می باشیم. نگارنده به عنوان نیروی بومی شاغل در پارس جنوبی شاهد بسیاری از بی عدالتی ها در حق تمامی کارگران بومی این استان به صورت مستند می باشم.

ما به هیچ عنوان با حضور نیروهای غیر بومی در مشاغلی که تخصص آنها در استان وجود ندارد مشکلی نداریم و به خود می بالیم که صنعت بزرگ نفت و گاز استان و قلب تپنده ی اقتصاد انرژی جمهوری اسلامی ایران پذیرای دوستانی از سراسر کشور است. اما وقتی در مشاغلی که نیاز به هیچ گونه تخصصی ندارد مانند رانندگی و نگهبانی و ... نیز از نیروهای غیربومی استفاده می شود باز این شبه در ذهن متواتر می شود که نقش آن مدیریت در جذب نیروی بومی کجاست و یا به عبارتی دیگر خیلی از نیروی های بومی با توجه به نداشتن رابطه در سیستم در شغل هایی مانند آبدارچی و غیره مشاهده می شوند که خود نیز جای سؤال دارد.

جناب آقای منفرد شاید در این بین نمی توان یک شخص را مورد شماتت و سرزنش قرار داد اما نواقصات سیستمی و قانونی در کنار سوءمدیریت، مشکلات کارگری پارس جنوبی را دوچندان کرده است. که بی شک عدم نظارت دقیق آن مدیریت بر فعالیت پیمانکاران یکی از دلایل این مشکلات است. ما در تمامی پیگیری های خود به عبارتی به درب بسته خورده ایم اما کماکان از پا نمی ایستیم و تلاش می کنیم شاید صدایمان به جایی برسد چه به قول شیخ اجل سعدی که می فرماید:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
وگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم.

به امید آن که در آینده شاهد تغییرات ملموسی در جهت احقاق حقوق کارگران زحمت کش پارس جنوبی باشیم.

گذر از بوشهر (۱۴)

خوشحالی از ترک کردن آسیا بدون آنکه آن را به خوبی بررسی و مطالعه کرده باشند

بر اساس سفرنامه "سه سال در آسیا" نوشته گوبینو به کوشش سیدحسن رضوی

برگردیم به بوشهر. بعد از دالکی جاده بسیار تنگ‌تر شد و در میان تپه‌ها می‌پیچید تا اینکه ناگهان در یک سربالایی نسبتا تند و در یک چشم به هم زدن چهار پنج اسب به زمین غلتیدند. در واقع ما وارد جایی شده بودیم که در اینجا کتل نامیده می‌شود که در سراسر مشرق زمین از بدترین شهرت‌ها برخوردارند. بعد از کتل از یک سراشیبی تند به دره سرسبزی رسیدیم که از وسط آن رودخانه‌ای زیبا می‌گذشت. به زودی غلامان در دشت پراکنده شدند و به شکار کبک پرداختند. اما فرصتی که برای لذت بردن از این مناظر نصیب‌مان شده بود دیری نپایید چون به پای کتل واقعی رسیدیم و در برابر خود یک بلندی تقریبا عمودی دیدیم که پوشیده از تخته سنگهای بزرگ و صخره‌ای بود که می‌بایست از میان‌شان بالا برویم.

هنوز بیش از سیصد قدم پیش نرفته بودیم که همه غلامان با ما مخلوط شدند، فریاد می‌زدند، زمین می‌خوردند، از جا برمی‌خاستند و بی‌باک‌ترین آنها حالت اشخاصی را داشتند که از اسب لگد خورده باشند. خر بحرینی مجدداً زمین خورد و محمد اعلام کرد که در چنین راهی قادر به حمل دخترم نمی‌باشد. بی‌شک بدون وجود یک خراسانی که پیشنهاد کرد دخترم را بگیرد و دلیرانه در جلوی زین اسبش بنشاند، سرگردانی ما زیادتر می‌شد.

سرانجام پس از زحمات بسیار خودمان را به قله رساندیم و عده‌ای سوار را بر فراز صخره‌ها مشاهده کردیم که برای تماشای ما سرک کشیده بودند. آنها کدخدا و عده‌ای از اهالی ده کنارتخته بودند که برای استقبال از وزیرمختار آمده و مانند تماشاچیانی که از فراز بلندی کسانی را که در دریا غرق شده و می‌کوشند خودشان را نجات بدهند می‌نگرند، با خونسردی ما را تماشا می‌کردند.

و بدین‌سان گذر ما از سرزمین بوشهر به پایان رسید و قدم در راه فارس گذاشتیم. باید اعتراف کنم سه سال بعد وقتی که مأموریتم در ایران رو به پایان بود به هزاران دلیل که وادارم می‌ساخت آرزوی پایان یافتن هر چه زودتر مأموریتم را داشته باشم، اما به هیچ‌وجه از آن ناراضی نبودم. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها از ترک کردن آسیا خودشان را خوشبخت می‌دانند و حال آن که آن را به خوبی بررسی و مطالعه نکرده‌اند. با این همه وقتی سه سال بعد روز عزیمت فرا رسید و دوره اقامت من در ایران و تهران خاتمه یافت، مرحله‌ای از زندگیم داشت تمام می‌شد و می‌بایست سفر بازگشت را در زمستان و از طریق تبریز تجربه کنم.

آگهی حصر وراثت

آقا/خانم یونس حیدری لقب دارای شناسنامه شماره ۴۳۰ بوشهر به شرح دادخواست به کلاسه ۹۶/۲۷۲ش۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان داداله حیدری لقب به شناسنامه ۲۹۱۹۳ بوشهر-دشتی در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۳ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱) مسعود حیدری لقب به شماره شناسنامه ۴۱۷ بوشهر(پسر متوفی) ۲- یونس حیدری لقب به شماره شناسنامه ۴۳۰ بوشهر(پسر متوفی) ۳- فرهاد حیدری لقب به شماره شناسنامه ۸۷۴ بوشهر (پسر متوفی) ۴- عبدالرسول حیدری لقب به شماره شناسنامه ۹۹۵ بوشهر (پسر متوفی) ۵- محمد حیدری لقب به شماره شناسنامه ۳۴۴۰ بوشهر (پسر متوفی) ۶- حکیمه حیدری لقب به شماره شناسنامه ۸۵۷ بوشهر (دختر متوفی) ۷- لیلا حیدری لقب به شماره شناسنامه ۱۸۸۱ بوشهر (دختر متوفی) ۸- شیرین حیدری لقب به شماره شناسنامه ۴۸۷ بوشهر (دختر متوفی) ۹- فاطمه بادبانی به شماره شناسنامه ۳۴۷۱ بوشهر (همسر متوفی) اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. (شماره ۹۳۰ م الف)

علی محمدی تبار
رییس شعبه دوم شورای حل اختلاف بوشهر

نسیم جنوب ۴
ادب و هنر
شماره ۸۴۵ یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

جهان و راه جهانی موسیقی بوشهر

حماسه حق پرست

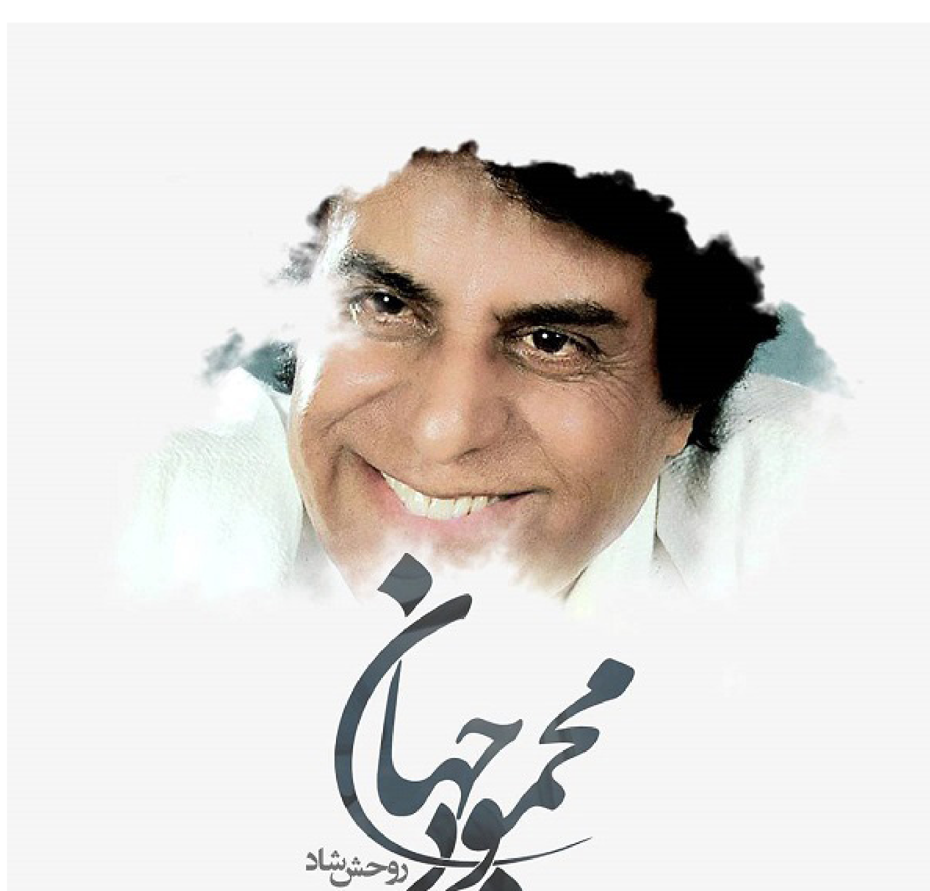


درست در زمان و زمانه ای که موسیقی و اهالیِ دلبسته اش از هر کرانه و کناره ای در اوجِ آماجِ تیر و ترکش تفسیر به رأی و قرائت به شخصَ، قرار داشتند، بودند اَفرادی که به راستی و به معنای واقع کلام دل به دریا زده بودند و خطر می کردند و به ساز و آواز و ترانه و تصنیف، دل خوش می داشتند.
آن روزها دایره ی بسیار محدود و تنگِ تعاریف از فرهنگ موسیقیایی جغرافیای پهناوری چون ایران، سرود نام گرفته بود و لاغیر!!!
خلاقه ی اهل موسیقی می بایست نهایتاً به خلقِ سرودی با اشعاری مشخص و معین و البته در شاکله وَ ساختارِ شنیداریِ از پیش تعیین شده ای، ختم به خیر می بایدِ می شد! این زاویه ی تنگِ نگاه و نگرش به هنر موسیقی، مرکز سرود را دایر نَمود تا با توریِ آن مرکز تار و سنتور و کمانچه و تمبک و بربط وَ... با رویکردی مارش گونه به تولید و آفرینش دست زنند. که قطعن در محوری تکراری و گاه ملال انگیز و تصنعی سه چهار آهنگی را به خوردِ سلایق و علایق یک ملت می داد. اگر چه از آن میانَ آثار ماندگاری نیز در حافظه ی شنیداری مردمان، نقش بست...
اما در آن دهه ی (شصت) جشنواره ی موسیقی فجر گاهن به گریزگاه و مجالی برای اهالی موسیقی و خطر بدل می شد تا آنان که دل شیر داشتند برای اجرای آثار خود با ساز و آواز بر روی سِن حاضر شوند و به ارایه ی کار خود بپردازند.
موسیقی بوشهر اما از همه اوضاع و احوال پیچیده تری را با خود و در درون خود همراه داشت! چه به لحاظ موارد گفته شده و چه به لحاظ اجتماعی و جنس نگاه جامعه به این هنر، کار سخت تر از آن چه جاری و سَاری بود، می نمود...
موسیقی بومی بوشهر به لحاظ طبقاتی و اجتماعیِ نوازندگان و خوانندگانش و چه به لحاظ بافت نگاه دستگاه اجرایی و متولی مربوطه، چندان مقبول نمی اَفتاد... هم از این رو شرایطِ کاری بس دشوار و سخت پیش روی آن نسل که دل در گرو موسیقی بزمی بوشهر داشتند، قرار گرفته بود.
رفتن به جشنواره ی موسیقی فجر در دوران سیدمحمد خاتمی به عنوان وزیر وقت وزارت فرهنگ و ارادت سلامی، نقطه ی عطف داستان موسیقی بوشهر بود.
گروه موسیقی مفتون که در دو بخش سنتی و بومی با سرپرستی و هدایت فرخ یزدان فر به اجرای برنامه می پرداخت تا با رعایت جوانب احتیاط هنر موسیقی بوشهر نشان داده شود.
اجرای نی انبان مرتضی دیری و نوازندگان دمام و همخوانی و همراهی اعضای مفتون، آزمونی بود که بیشتر به دنبال اخذ مجوز برای آینده و آیندگان این هنر بود.
خوانندگی آن دوره در بخش موسیقی بومی بوشهر، توسط جاودان یاد محمود جهان به اجرا در می آمد...
جهانِ اصالتن بوشهری با صدا و لحن خاصِ خود، مرد تنگسیرِ و یا الله یا خدا و هله مالی و ...چِند ترانه ی دیگر را به خوبی و گیرایی هر چه تمامتر ،خواند و در همان جشنواره ی فجر راه سازها و آوازهای موسیقی بوشهر با مدیریت هنرمندانه ی فرخ یزدان فر، تا حد و حدود بسیاری هموار شد. محمود جهان، پس از آن تاریخ خواند و خواند و خواند و گرچه در سبک و سیاق و سلیقه ی موسیقیایی خود بیشتر موسیقی کرانه های کارون را خوش می داشت و بعدتر گریزی هم به تاجیک و جبلی و آغاسی می زد اما همواره و همیشه در گستره ی موسیقی بوشهر صدایی ماندگار و جاودان خواهد بود چه با تمام سختی ها و گیر و گرفتی هایی که پیش رویش قرار می گرفت و با همه ی مشکلاتی که فراراه او می ساختند همچنان به کار خود و خواندن ادامه داد و از این رهگذار تا آن جا که به یاد دارم تنها نسیم جنوب به گفت وگوهایش با وی ادامه می داد و گفته ها و ناگفته های محمود جهان را بازتاب می داد...جهان و همراهان جهان با همان سه چهار ترانه ی جشنواره ی فجر به باور این قلم سخت ترین کار را در گشایش و گشودن دریچه ای کوچک برای تنفس موسیقی بوشهر عزیز، انجام دادند تا در آینده ای نه چندان دور راه جهانی موسیقی بوشهر با سعی و تلاش جانفرسای مشتاقان این موسیقی، ساخته و پرداخته شود. راهی که موسیقی بوشهر را در جام جهان نمای موسیقی ملل باز می تاباند و بزرگانی چون محمود جهان در آینه اش همواره دیده و شنیده می شوند... یادش گرامی باد...



"جهان" جغرافیای جنوب

سید حسن رضوی



جهان جنوب گستره وسیعی است فراتر از مرزهای جغرافیا، فراتر از برج و باروی شهرها و روستاها، فراتر از رودها و دشت‌ها. جغرافیای جنوب را نه مرزها، که آدم‌هایش می‌سازند و البته ادبیات و موسیقی. دلتنگ جنوب هم که باشی و دورافتاده از جغرافیایش، نوای شروه و چاوشی و یزله و زار و نی‌مه و بندری هست که مفتونت کند در هوای خلسه جنوب. جغرافیای جنوب را ناله نی می‌سازد و دوبیتی های فایز و مفتون. جهان جنوب را نوای طرب‌انگیز موسیقی جنوبگان می سازد. نوایی که چنگ بر روحت می‌کشد و رهایت می‌کند در اوهام و خلسه.
از نسل موسیقیایی جنوب یکی هم "محمود جهان" که آخرین نغمه را خواند و گذاشت و گذشت. یادش گرامی باد. تصویری که از محمود جهان نواخوان آواهای جنوب به یاد دارم باز می‌گردد به اواخر دهه شصت در جزیره خارگ که تازه فصل دیگری از جنوب ما آغاز شده بود. بازگشت از غربت آوارگی جنگ و عادت به زندگی بدون بمباران هر روزه. اما می‌شد هنوز غم و دلهره جنگ را در چشمان ترس خورده مردم دید. سالها و روزهای سختی که بر مردم رفته بود و باور این که آن روزهای سیاه رفته و دیگر باز نمی‌گردد سخت دشوار بود. جای آن دل‌نگرانی را چیزی نمی‌توانست پر کند جز شنیدن یک نوای موسیقی که پیام‌آور شادی بود. می گفتند مردی آمده به جزیره که خود زاده جنگ است و از آوارگان جنگی. آوازه‌اش پیچیده بود در ایران. بندری می‌خواند، آن هم چه بندری. ترانه "یاالله یاخدا"یش را هر شب تلویزیون پخش می‌کرد. هر شب در جُنگ شادی سینما نفت بندری می‌خواند. گفتند نامش محمود است. شورانگیز می‌خواند. در تالار وحدت تهران خوانده بود. برای ما که سرودخوان مدرسه بودیم باور نکردنی بود که یک جنوبی با یک ترانه بندری بشود اول‌خوان ایران. ولی بود. داشت کولاک می‌کرد. کولاکی که به زودی مرزهای جنوب و حتی مرزهای ایران را در می‌نوردید.
داشتیم برای مسابقات سرود مدارس استان آماده می شدیم. باید می‌رفتیم بوشهر. سرودی بندری می خواندیم با ساز نی‌انبان. اما دلهره مواجه شدن با نوازندگان چیره‌دست رهایمان نمی‌کرد. هر شب جمع می‌شدیم توی سنگر بتنی وسط حیاط مدرسه و تمرین سرودخوانی می‌کردیم. پیشرفت‌مان کند بود. پیشنهاد دوستی بود که برویم پیش محمود. کدام محمود؟ جهان، محمود جهان! محمود را توی پمپ بنزین جزیره دیده بود و قرارش را خودش گذاشته بود. شب رفتیم دیدنش. چند تا محصل خجالتی که زیر چشمی نگاه جهان می‌کردیم و باورمان نمی‌شد همان است که هر شب در تلویزیون "یاالله یاخدا" می‌خواند. سبزه‌رو بود و خندان. جنوبی حرف می‌زد به لهجه شیرین آبادانی. تعارف کرد و نشستیم. لوازم چندانی در خانه نبود جز ضبط صوت بزرگی گوشه اتاق و میکروفن سیاهی که سیمش به ضبط وصل بود. به اتفاق چند تا از همکارانش در خانه سازمانی شرکت زندگی می‌کرد. استرس تک‌خوان گروه سرودمان را که دید شروع کرد به حرف زدن از انواع صداها و حنجره‌ها و نوع خوانش ترانه‌ها. می‌گفت صدای خواننده یا از حنجره بیرون می‌آید و یا از محفظه داخلی سینه. تک‌خوان سرودمان پرسید که صدای تو از کجایت بیرون می‌آید؟ شوخی‌اش یخ جلسه را شکست. جوابی که محمود داد هنوز بعد از سالها با یادآوری‌اش با دوستان یک دل سیر می‌خندیم. شوخ بود و پیام‌آور شادی. بعد پرسید چی بخونم برایتان؟ منتظر نماند. "می‌دونستی که خاک، فرش منه، رفتی نموندی" را خواند. آن حجم صدا شگفت‌انگیز بود. سحر صدایش جادو می‌کرد. آن شب شب طنازی محمود بود. آن قدر خواند که ترس مان از اجرای زنده ریخت. ما رفتیم مسابقات سرود دانش‌آموزی استانی و اول شدیم. محمود ماند تا صحنه یکتای هنرمندی را زندگی کند. ماند تا نعمه خود خواند و از صحنه رود. ماند تا در سپیده دمی، نواخوانی جهان جنوب را به دیگری بگذارد و بگذرد. صحنه پیوسته به جاست. خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد. روحش شاد.



معرفی کتاب

سیر و سفر در ادیان خاور نزدیک



کتاب "سیر و سفر در ادیان خاور نزدیک" به نویسندگی سمیرا بهزادی، پژوهشگر تاریخ ایران و ادیان توسط نشر ندای تاریخ به چاپ رسید.
وی مؤلف کتاب "بررسی وضعیت تشیع و تصوف در دوره ایلخانان" است که در سال ۹۳ توسط نشر لیان به چاپ رسیده بود.
کتاب "سیر و سفر در ادیان خاور نزدیک" در مورد سفر پیامبران (سفرهای مادی و معنوی) در کتب مقدس قرآن، تورات، انجیل و کتب زرتشت و نگاهی صرفا تاریخی (نه نگاهی دینی، جامعه شناسی، معرفت شناسی و ...) توسط نویسنده برای اولین بار کار شده است.
از وی مقالات متعددی در روزنامه های بوشهر و سراسری و چندین برنامه رادیویی در رادیو جوان و فرهنگ به چاپ و سمع و نظر خوانندگان رسیده است.

سینما سلام در خورموج بوشهر راه اندازی شد



در آیینی با نمایش فیلم سینمایی 'سه بیگانه' سینما سلام دائمی شهر خورموج مرکز شهرستان دشتی استان بوشهر افتتاح شد.
به گزارش ایرنا، سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دشتی در این آیین گفت: سینما بهترین هنر برای پر کردن اوقات فراغت مردم و بهترین وسیله برای ترویج فرهنگ و سنت ها و آیین هاست.
حمید زارعی افزود: امروز سینما جزیی جدایی ناپذیر از زندگی همه اقوام و ملل شده است.
زارعی افزود: راه اندازی سینما دائمی در شهر خورموج مرکز شهرستان دشتی یکی از مطالبات و خواسته های مردم و بویژه جوانان بود که امروز با همکاری مسئولان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر محقق شد.
وی اضافه کرد: اگر چه امروز وسایل ارتباطی بسیار متنوع شده است اما هنوز سینما جایگاه ویژه خود را در بین مردم حفظ کرده و همه ما به نوعی به آن وابسته شده ایم.
زارعی بیان کرد: در دولت یازدهم توجه ویژه ای به صنعت سینما در کشور شده و این هنر صنعت از ورشکستگی نجات یافته است.
زارعی اظهار کرد: در دو سال گذشته فیلم های سینمایی به صورت مقطعی در این سالن اکران و همواره با استقبال خوب مردم روبرو می شد.
در شب افتتاح این سینما فیلم سینمایی سه بیگانه اکران شد.
در این مراسم بخشدار مرکزی دشتی و شماری از مسئولان و هنرمندان این شهرستان حضور داشتند.

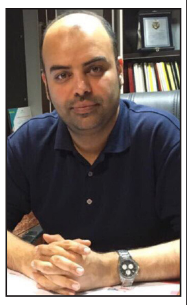
پرداخت وام ۵۰۰ میلیونی برای متقاضیان تأسیس کتاب فروشی

زارعی سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتی گفت: به متقاضیان تأسیس کتاب فروشی در شهرستان دشتی تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان تسهیلات با سود ۸ درصد و تنفس شش ماهه پرداخت می شود.
وی افزود: تا مبلغ صد میلیون تومان ضامن حقیقی و بالاتر وثیقه ملکی مورد نیاز می باشد.

انزوای بعد از استبداد



بابک شاکر



زمانی در یک جامعه ایدئولوژیک ادبیات به انزوایی اجباری دعوت می شود گویی که در این انزوا قرار نیست کسی سخنی غیر از سخن رسمی استبداد و دیکتاتوری حاکم بر زبان آورد. اما سال‌ها بعد و با فروپاشی این ایدئولوژی کماکان ادبیات به آن انزوا، خو می کند و نمی تواند راه خود را بیابد، مانند فردی زندانی که سال‌های متمادی در یک زندان افتاده است و حالا بعد از سال‌ها حتی راه خانه خویش را هم نمی داند... انزوای ویسواوا شیمبورسکا انزوایی تاریخی بود که دامن تمامی اهالی فرهنگ جوامع استبدادی و ایدئولوژیک را می گیرد، انزوایی که هر نوع امید را در نوع خود می کشد و ادبیات را به ورطه پوچی و بیهودگی در نگرش می کشاند. زمانی که به او اطلاع دادند برنده جایزه ادبی نوبل شده است شاید آنقدر خوشحال نشد چون مجبور بود از تنهایی خود خارج شود و دوباره خودش را درکشاکش مصاحبه ها و خبرهای مطبوعات قرار بدهد. او ماحصل ادبیاتی است که سوخته و تنها مجرم این سوختگی تاریخی، حکومت‌هایی هستند که ایدئولوژی و استبداد سیاسی شان بر تمامی عرصه های بشری سایه می افکند و به راستی چه کسی می خواهد تاوان این ظلم تاریخی بر بشر را بدهد. بشری که شعور و آگاهی مدرن را به یدک می کشید و به مراتب رنجش از بردگان عهد عتیق بیشتر بود، چون او می دانست و به ناچار به انزوا کشیده شد.
ویسواوا شیمبورسکا شاعری پرشور نبود، او تمامی عناصر اطراف خویش را در بستری نهفته در پوچی و سکوت می جست. او شاعر سکوت بود، سکوتی که حتی فریادهایش را نیز در بر می گرفت... چقدر سخت است با دهان بسته فریاد بزنی، یا حتی با دهان باز فریاد بزنی که نوایش سکوت است. ماحصل سیر عمیق شاعری مانند شیمبورسکا در کلمات سکوت پوچی بود که او تحملش می کرد. او مجبور به این پوچی و بیهودگی و انزوا نشده بود اما مانند کودکی که نهادش را در سرکوب بنا نهاده‌اند، نهاد خویش را دراین سرکوب بارور کرده بود و از دل این رنج، رنج بزرگتری را یافته بود که همان تشخص انزوا بود.
او روزی در نامه ای به دوستی نوشته بود: "با مردم بودن تنها فایده اش، تنهاتر شدن است. روزی فکر می کردم می توانم با افکار القایی دیگران کسی را نجات دهم، اما امروز می دانم که هیچکس کسی را نجات نمی دهد، انگار قرار نیست ناجی در کار باشد."
شاید او قصد داشته شور وحال جوانی خود را در دفاع از آرمان‌های غالب جنبش چپ آن زمان به محاکمه بکشد.
اما او این شجاعت را دارد تا از شور و جوانی خود آیینه عبرت برای آینده بسازد، اما مستبدان و زورگویان تاریخی هیچگاه این شجاعت را نداشتند و تنها جنایت کردند و در تاریخ به نام ماندند. مرگ شیمبورسکامرگ سکوت بود، سکوتی که دیگر عاشق آدمها نبود که عاشقانه آدم بود ... در زیر چند اثر زیبای او با برگردانی از خودم می آورم:

۱

شب اگر بود
خواب من به پنجره نمی رسید
باور ندارم چشمانم را درون سبزه هایی گذاشته باشم
من که نمی بینم
حتما شب و پنجره با هم
به خواب چشمان من رفته اند
و چشمان من را به سبزه هایی سپرده اند
که هیچگاه ندیده ام.

۲

یک روز خانه ام خراب شد
و من زیرآوار
سنگریزه هایی را می دیدم که زیر پاهایم مرده بودند
من اما زیرآوار
بدون هیچ تشریفاتی
تدفین می شدم
و همه برای خانه ام گریه می کردند
خانه ای که فرو ریخته بود روی موهایم
من فریاد می زدم
اما همه سنگ می ریختند روی خانه ام
نه فریاد من کارگر شد
نه سنگ ریزهایی که زیر پاهایم مرده بودند
تنها انگار
قرار بود خانه ام خراب شود
و من زیرآوارش دفن شوم

۳

کسی بوی گل نمی دهد
نه دیوار
نه میز
نه صندلی
نه حتی روزنامه ای که امروز
عکس مرا رویش گذاشته اند
اما انگار خودم
بوی عطری آشنا می دهم
بوی عطر مرگ
من بوی عطر گل می دهم
گل مرگ.

جوانه‌های بلوغ در شمالِ جنوب



محسن رنانی

خبر را که خواندم دیگر خوابم نبرد. شاید خیلی‌ها اصلا این خبر را ندیده باشند و آنانی که دیده اند نیز احتمالا به عنوان یک خبر بی‌اهمیت از کنار آن گذشته باشند، اما برای من خبر نشاط آوری بود که خواب را از سرم پراند. برای من نشانه‌ای بود از رسیدن جامعه ما به یک نقطه عطف تاریخی. نقطه‌ای که در آن دیگر حکومت نمی‌تواند با نشان دادن شکلات‌های اقتصادی، جامعه را به کرنش وا دارد. جامعه دارد می‌فهمد که پولهای دولتی و حکومتی ناپاک است و این پول‌ها هر جا برود باید منتظر آفت‌ها و آسیب‌های بزرگ اجتماعی، فرهنگی و یا زیست‌محیطی آن باشیم. بنابراین دیگر نمی‌شود با پخش کردن پول، جامعه را فریب داد. این درک و بلوغ را البته جامعه در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز نشان داد و گفت که دیگر با شکلات یارانه، فریب سیاسی نخواهد خورد.

اما خبر چه بود؟ در ۴ مرداد خبرگزاریها نوشتند که «مردم مانع کلنگ زنی پتروشیمی دشتستان توسط وزیر صنعت شدند». خلاصه داستان این که وقتی مقامات استان بوشهر با برنامه ریزی قبلی و با سلام و صلوات وزیر صنعت را برای کلنگ زنی به محل احداث پروژه پتروشیمی دشتستان می‌برند با حدود دو هزار نفر از مردم منطقه مواجه می‌شوند. اما آنان نیامده بودند تا در اطراف مقامات هلهله کنند و با فریبِ کلنگ زنی یک پروژه عظیم اقتصادی به خلسه بروند و نقل و نبات پخش کنند و گاو و گوسفند به زمین بزنند که خدا را شکر بالاخره منطقه ما هم به داشتن کارخانه پتروشیمی مفتخر شد؛ بلکه آنان آمده بودند تا خیلی مدنی و محترمانه با نمایش نوشته‌هایی مخالفت خود را با احداث این پروژه در آن مکان اعلام کنند و علت آن را هم نداشتن مجوزهای زیست محیطی، نامعلوم بودن محل تأمین آب پروژه و نیز نامشخص بودن محل دفع پساب صنعتی آن ذکر کرده‌اند. وزیر باشعور دولت هم بدون آن که مردم را به فریب‌خوردگی و عامل استکبار بودن متهم کند تنها گفته است «در عمر کاریش برای اولین بار شاهد چنین رفتار اعتراض‌آمیز برای شروع عملیات اجرایی یک پروژه بزرگ صنعتی است» و بدون کلنگ‌زنی، منطقه را ترک کرده است. آری ما داریم کم‌کم یاد می‌گیریم که اگر با هم باشیم بدون پاره کردن حنجره‌هایمان می توانیم کارهای بزرگی بکنیم. ما داریم یاد می‌گیریم که دیگر کمتر فریب بخوریم. ما داریم باور می کنیم که به پایان «قیمومیت دولت و حکومت در همه حوزه‌ها» رسیده‌ایم. ما داریم طعم «حاکمیت مجازی» را می‌چشیم.

اکنون اجازه می‌خواهم برای منطقه دشتستان بوشهر لقب پر افتخار «شمالِ جنوب» را برگزینم؛ نه به این خاطر که در شمال بوشهر واقع است یا آب‌وهوایش شمالی است، بلکه به این خاطر که مردمی در منطقه‌ای کمتر برخوردار و انباشته از بیکاری جوانان، با رفتاری از جنس «توسعه یافتگی» از منافع بلندمدت خود و نسل‌های آینده حفاظت کرده‌اند. در ادبیات سیاسی توسعه، مناطق و کشورهای توسعه یافته را «شمال» و مناطق و کشورهای توسعه نیافته را «جنوب» می‌نامند. مردم دشتستان در دل جنوب، رفتاری «شمالی» از خود بروز داده اند و با این رفتار، موفق به اثرگذاری بر تصمیم مقامات نیز شده‌اند و این نشانه امیدوارکننده‌ای است. از قضا اصطلاح «شمالِ جنوب» را نخستین بار شاه برای منطقه‌ای در جنوب استان بوشهر به کار برده است؛ جایی در حد فاصل عسلویه تا پارسیان. نقل است که شاه در یکی از سفرهایش که با بالگرد از این منطقه عبور می‌کرده است از سرسبزی و نشاط بهاری این منطقه در شگفت می‌شود و نام «شمالِ جنوب» را به این منطقه می دهد.

خاطرم هست که در نشستی که چند سال پیش با فعالان اقتصادی و مدنی در شهر پارسیان داشتم در پاسخ به نگرانی آنان از احداث یک منطقه عظیم صنعتی برای تمرکز صنایع انرژی‌بَر در حد فاصل عسلویه و پارسیان و این که می‌گفتند به زودی یک عسلویه دومی در این منطقه شکل خواهد گرفت که محیط زیست منطقه را نابود خواهد کرد گفتم: هیچ راهکاری ندارید جز انسجام مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی برای تحمیل ضوابط قانونی زیست محیطی به این صنایع؛ ضوابطی که طبق قانونَ باید رعایت کنند و به خاطر بی‌کفایتی دستگاههای مسئول، عملا رعایت نمی‌کنند که اگر بخواهند رعایت کنند بسیاری از آن پروژه‌ها غیراقتصادی خواهند بود و اصولا احداث نخواهند شد.

کوتاه سخن: جوانه‌های بلوغ در کشور ما در حال سرزدن است و این حرکت که در دشتستان انجام شد به عنوان یک حرکت نمادین و نقطه عطفی در کنش گری مدنی در کشور ما ثبت خواهد شد. جامعه ما دارد ققنوس‌وار از میان آتش درگیری‌های سیاسی و جناحی، و از دل خاکستر برجای مانده از عدم کفایت نظام تدبیر، خود را باز می‌یابد و پَر می‌گشاید. به گمانم وقت آن است که ایمان بیاوریم به پایان فصل سرد.

گاو و گنجشک خرمن محیط زیست

نقدی بر یادداشت دکتر محسن رنانی در خصوص متوقف شدن اجرای پتروشیمی دشتستان

خضر خلیلی - دبیر انجمن مدیران صنایع بوشهر



آقای دکتر رنانی استاد دانشگاه اصفهان خبری در مورد ممانعت از احداث پتروشیمی در یکی از شهرستانهای بوشهر شنیده اند و به گفته خودشان از خوشحالی خوابشان نبرده و در آن حالت سرخوشی مطلبی در تمجید این حرکت مدنی مرقوم کرده اند که البته اشکالاتی اساسی دارد. به سایت آقای رنانی اگر مراجعه کنید می بینید ایشان در مورد بیشتر مقولات متنوع سیاسی، اجتماعی، تاریخی، حقوقی، بین الملل و ... اظهارنظرهای کارشناسی کرده اند ولی تحصیلات ایشان اقتصاد است و قطعا با ارزش های یک کار اقتصادی آشناترند. به همین دلیل از ایشان بیش از دیگران انتظار می رفت که برای سرمایه گذاری و تولید و کارآفرینی و کارآفرین حرمت قائل شوند و گز نکرده، نبرند و لااقل از این موج محیط زیستی که علیه یک کار صنعتی ارزشمند راه افتاده صرف نظر کنند. از آنجا که اتفاقات چهارم مردادماه به زندگی مردم عزیز استانم مربوط است لازم دیدم جوابی توضیحا ارائه دهم شاید آقای دکتر و لشکر مجازی فعالین اجتماعی را عجالتا از بستن کراوات بر یقه این فقیری که پیراهن به تن ندارد منصرف کنم.

قبل از هر چیز البته لازم است به عنوان اهانت آمیز "شمال جنوب" که آقای رنانی بر یادداشت شان گذاشته اند اعتراض کنم. هر چند نامبرده در متن نوشته شان سطح پایین برخورداری جنوب کشور را دلیل اعطا این لقب عنوان کرده اند ولی اولا خود ایشان بهتر می دانند که در ادبیات اقتصادی به مناطق کمتر برخوردار، "جنوب" نمی گویند و این عنوان آزاردهنده به مناطق توسعه نیافته اطلاق می شود و استاد بهتر می دانند که مفهوم توسعه با در نظر گرفتن همه جنبه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن با مسئله "برخورداری" متفاوت است. آن طور که ایشان و احتمالا بسیاری از بالانشین ها تصور می کنند بوشهر و دشتستان آنقدرها هم در کل فرایند توسعه از دیگر مناطق کشور عقب تر نیست. اگر سرانه شما مرکزنشینان در راه و فرودگاه و بیمارستان و ... بالاتر است، شاخص های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی جنوب هم بهتر است و قابل دفاع و در مجموع آن بی عدالتی را جبران می کند ضمن اینکه اساسا توسعه یک مفهوم ملی است و در عمل نمی توان به معنای دقیق کلمه مناطق را در یک واحد جغرافیایی به نام کشور به توسعه یافته و عقب مانده تقسیم کرد. بنابراین گذشته از تلخی این طنز که نفت و گاز ما را می برید و حق مان را نمی دهید و بعد هم با عنوان جنوب ریشخندمان می کنید، نه ما اینقدر جنوب‌تر هستیم و عقب مانده که یک حرکت اجتماعی چند ده نفره در اینجا کسی را به شگفتی وادارد و نه شما بدون نفت و گاز و بنادر ما باید این قدر احساس شمال بودن کنید.

نکته دیگر اشتباه فاحش آقای رنانی در برآورد و اعلام رقم معترضین به احداث پتروشیمی با دو صفر اضافه و تقریبا صد برابر بیشتر از واقعیت است و احتمالا به همین خاطر ذوق زده شده و بد خواب شده باشند. من آن روز آنجا بودم و اتفاقا به تعداد معترضین که از دیگر شهرهای استان هم آمده بودند حساس شدم، برآوردم حداکثر ۳۰ نفر بود. معترضین به صف ایستاده بودند و قبل از اینکه به سمت وزیر و همراهان هجوم بیاورند می شد آنها را دقیقا شمارش کرد. عکس هم گرفتم و بعدا که رقم ۱۰۰ نفر و جمع کثیر و عباراتی از این دست راه افتاد روی عکسها زوم کردم و دیدم همین رقم ۳۰ تا ۳۵ نفر درست است و می دانیم بسیج کردن و اعزام این تعداد نفرات در رقابت های اقتصادی و منطقه ای کار سختی نیست. البته این را به عنوان ایراد مهم نوشته دکتر رنانی نمی گویم و به قول معروف نمی خواهم بل بگیرم. در جایی که دستگاههای رسمی تبلیغاتی، راهپیمایی دو سه هزار نفره را تجمع میلیونی می نامند این اشتباه هم خیلی چشم گیر نیست و همچنین می دانم که در این مواقع عدد معترضین اهمیت چندانی ندارد ولی خواستم بگویم بهتر است منابع خبرهایشان را مجددا چک کنند، به احتمال قوی از این دست اطلاعات اشتباه زیاد به ایشان رسانده اند و استاد را به اشتباه انداخته اند. همچنین جالب است بدانند که به محض انتشار خبر مخالفت جمعی از مردم شهرستان آبپخش با احداث پتروشیمی در آنجا، دهها درخواست علنی و غیرعلنی از بقیه شهرستانهای استان برای میزبانی پروژه با اهدا زمین رایگان به پتروشیمی کذایی ارسال شده و بین شورای شهرها و فعالین مدنی و اجتماعی شهرستانها نوعی رقابت برای جذب آن درگرفته است که با جستجو در گروهها و صفحات مجازی می توان متوجه تنوع و کثرت آن شد.

و اما توصیحاتی بر اصل داستان تقدیم می کنم تا آقای رنانی و برخی دیگر از سیاسیونی که انگار نشسته اند تا اتفاقی از این دست بیافتد و حتما چیزی بگویند و به تعبیر بیهقی بر این افتاده لتی بزنند، بدانند که واقعیت ماجرا به داستانی که خلق کرده اند ربطی ندارد و بر سر قبری می نالند که مرده ای در آن نیست.

هر چند می دانم در این مملکت خراب کلا مخالف‌خوانی بهترین و مجلسی ترین شغل است و روحیه انفعال و محافظه کاری مدیران دولت و فضای جامعه جان می دهد که بنشینی و نق بزنی و مصیبت‌نامه بخوانی و مسئولی را از انجام هر کاری که اندکی ریسک داشته باشد برحذر بداری تا احترام و امنیت برقرار باشد و نانت در روغن.

۱ - مسئله آب.

مصرف آب پتروشیمی دشتستان از جمله مواردی است که در بیشتر انتقادات مطرح شده و در نوشته آقای رنانی هم آمده بود. مصرف آب این واحد پتروشیمی در بالاترین ظرفیت تولید با احتساب همه مصارف چرخه تولید و مصارف اداری و درختکاری و پرسنلی حداکثر رقمی معادل ۵۰۰ هزار متر مکعب در سال است. برای آشنایی با ابعاد این رقم و تأثیر آن در چرخه آب استان در نظر داشته باشید که این رقم تقریبا معادل یک هفتصدم آب موجود در پشت سد رییسعلی در چند کیلومتری محل اجرای پروژه است که این حجم آب البته حاصل آبگیری سد در سالهای کم بارش اخیر بوده و تقریبا نصف ظرفیت معمول این سد است.

جالب است بدانید که در مقابل سهم ۸۰ درصدی کشاورزی به شدت ناکارآمد ما از منابع آب استان، صنعت بیچاره ما سهمی ۳ درصدی دارد با آب بهایی تقریبا دو برابر!. همین نخلستانهایی که برایشان تعزیه گرفته اند بزرگترین قاتلان آب و منابع طبیعی و محیط زیست هستند و کمتر کسی حتی خبر دارد که برای تولید هر کیلو خرمای استان ۲۳۰۰ لیتر آب حیف می شود!. بله ۲۳۰۰ لیتر آب برای تولید هر کیلو خرمایی که هر ساله بزرگترین مسئله آن بعد از بلعیدن این آب حیاتی رو به اتمام، یافتن مشتری و التماس برای خرید تضمینی آن به قیمت مفت است !. یک میلیون اصل نخل استان سالیانه بیش از ۲۵ میلیون متر مکعب آب می بلعد و کل ارزش افزوده تولیداتش معادل ارزش تولیدات ۲۰ روز یک پتروشیمی کوچک مثل پتروشیمی دشتستان هم نیست، چرا این فاجعه توجه هیچ مدافع غیور محیط زیستی را جلب نمی کند؟ باور کنید فقط انرژی و کاغذی که برای صدها جلسه و کنفرانس و نشست و بازدید و نمایشگاه و آموزش و رتق و فتق همین کار بی حاصل کشاورزی صرف می شود به اندازه راه اندازی چند واحد پتروشیمی به محیط زیست ما و شما صدمه می زند، بقیه کشاورزی استان هم همین طور است و شاید هم بدتر و ورود به بحث آن اطاله کلام می کند.

۲ - ضایعات و پساب ها

گزارش رسمی و کتبی استاندار بوشهر در مورد ضایعات این واحد عینا به این شرح است:

"این واحد، فاقد فلر و شعله و دود می باشد و روزانه ۱۰۰ تن متانول (مایعی مثابه بنزین)، مصرف می کند. (در حد بنزین مصرفی یک پمپ بنزین معمولی)

پساب واحد، معادل ۵ مترمکعب مایع در روز می باشد (به اندازه آب مصرفی ۵ خانوار) که پس از تبخیر آن، رسوبات آن، حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم در روز، جمع آوری و به صورت جامد به مکان دفع پسماندها منتقل می گردد. این رسوبات، شامل گچ و نمک می باشد و این واحد، فاقد هر نوع پسماند فلزی مضر نظیر جیوه و امثالهم می باشد "

این گزارش قطعا از روی مجوز صادر شده برای طرح برگرفته شده است و همین است که رسما صاحب کار اعلام کرده و آدرس واحدهای مشابه در دیگر کشورها را هم داده که می شود به آن مراجعه کرد. منتقدین هم چیزی در رد آن نگفته اند و بنابراین منطقا می شود روی آن حساب کرد و می بینید که جای نگرانی خاصی ندارد.

۳- مجوز محیط زیست

قریب به دو سال است که سازمان محیط زیست موافقت اولیه خود با احداث این طرح با همین کیفیت و در همین مکان در کارگروههای برنامه ریزی استان اعلام نموده و پرونده ای برای بررسی نهایی پروژه و صدور مجوز تشکیل داده است که به نحوی سؤال برانگیز در تهران راکد شده است. سرمایه گذار هم بر اساس همین بازخورد مثبت اولیه مطالعات و تمهیدات اولیه را انجام داده و می خواهد طرح را عملیاتی کند مسئولیت قانونی و عواقب اقتصادی شروع به کار این پروژه نه چندان کوچک هم به عهده خود سرمایه گذار است. سازمان محیط زیست هم اهرم های حقیقی و قانونی کمی در اختیار ندارد و می تواند به راحتی پروژه ها را ببندد و حتی خاطیان را به زندان و مکافات دیگر مبتلا کند. خبر جالب تر اینکه همین سازمان به اصطلاح حساس و در اینجا عصبانی حفاظت از محیط زیست، اخیرا با مهربانی تمام، قریب به ۱۵ پتروشیمی حتما آلاینده مستقر در پارس جنوبی را " کاملا غیر آلاینده" اعلام کرده است و ضمن محروم کردن شهروندان استان بوشهر از دریافت ۵۰۰ میلیارد تومان حق آلایندگی در سالهای ۹۵ و ۹۶، عدم تعادل و انصاف خود را در برخورد با مشکلات زیست محیطی نشان داده است. بنابراین تأخیر نامعمول در صدور مجوز نمی تواند بهانه ای برای این آتش به اختیاری به شدت خطرناک و هزینه ساز با ابعادی گسترده و غیرقابل پیش بینی برای استان ما باشد و استدعا دارم آزمون و تمرین قوت و ضعف جامعه مدنی محیط زیست پیرامون همان استان اصفهان و پروژه های به شدت ضد محیط زیستی صنعت فولاد آن صورت گیرد و صورتحساب سنگین این بدنسازی اجتماعی از جیب ما مردم به قول شما " جنوب " پرداخت نشود.

بقیه موارد تأمین خوراک و دسترسی‌ها و با صرفه بودن و نبودن طرح و قیمت تمام شده زمین و مواردی از این دست هم به بنده و رنانی و دیگران هیچ ربطی ندارد و علی القاعده باید برای صاحب طرح هم حداقلی از عقل و توان ضرب و تقسیم و محاسبه قایل باشیم.

و اما برای تبیین ابعاد دیگر داستان محیط زیست استان بوشهر بد نیست به این موارد هم توجه فرمایید:

می دانید که فعالیت اقتصادی دیگر ما جنوبی ها صیادی است. همین امروز فصل صید میگو آغاز شده است و بیش از سه هزار (۳۰۰۰) لنج و قایق صیادی به صیدگاه ها هجوم برده اند تا به معنای واقعی کلمه دریا را شخم بزنند. شیلات می گوید یک دهم آنچه در شیوه ترال صید می شود، انواع ماهی و میگو قابل برداشت است و بقیه آن ضایعات می شود. به نظر من ذکر اینکه از هر یک تن صید، ۱۰۰ کیلوی آن به درد می خورد و ۹۰۰ کیلوی باقیمانده یعنی ۹۰ درصد دیگر صید، تلفات بی رحمانه آبزیان بعضا منحصر به فرد و در معرض انقراض خلیج فارس است، عمق فاجعه را نشان نمی دهد. اهمیت این شکار بی رحمانه به وزن آن نیست. باید رفت و در هنگام بالا کشیدن تور از نزدیک دید که با ذخایر به سرعت رو به اتمام مان چه می کنیم و چگونه صدها کیلو از آبزیان در طیفی رنگارنگ و گسترده و وسیع از انواع ماهی و سخت تنان و نرم تنان و مرجان و صدها گونه عجیب الخلقه و نادر را هر سه ساعت به سه ساعت به تلی از زباله و لاشه گندیده تبدیل می کنیم و به دریا برمی گردانیم. پایین ترین برآوردها انهدام ۱۵ تا ۲۰ هزار تن از ذخایر آبزی خلیج فارس فقط در ۴۵ روز فصل صید میگو در سواحل استان بوشهر است. محیط زیست و سمن ها البته بی خبر نیستند ولی همچون فاجعه کشاورزی کسی آیا تا به حال به خودش اجازه داده که اعتراضی کند یا برای تعطیلی و ممنوعیت صید از این کمپین های شیک تشکیل دهد یا شخصیتی سیاسی توییتی صادر کند؟! دلیل آن هم واضح است همین شیوه صید ممر درآمد هزاران صیاد کم‌دست است و شغلی وجود ندارد که در ازای تعطیلی صید به او بدهیم! و ناچار تا فراهم شدن فرصت های شغلی که ظاهرا باید طی معجزه ای جور شود به همین شرایط خسارتبار در سکوت مطلق فعالین مدنی و مسئولین ادامه می دهیم.

همچنین دیگر نان بی قاتق ما جنوبی ها قاچاق کالا و همان ته لنجی معروف است. دولت و به ویژه همین وزیر با فرهنگ که اشاره کرده بودید، اهتمامی جدی برای کنترل و کاهش سطح قاچاق ۵ میلیارد دلاری استان بوشهر به ویژه به شیوه مخرب ته لنجی داشت. می دانید که واردات قاچاق چند برابر واردات رسمی به اقتصاد و بهداشت و محیط زیست آسیب می رساند. هیچ نظارت و کنترل بهداشتی و قرنطینه نباتی و جانوری و کنترل استانداردی روی آن اعمال نمی شود. دولت احتمالا تحت فشار شدید اجتماعی در این طرح حیاتی شکست خورده و به روی مبارک نمی آورد یا شکست خواهد خورد. تداوم این فاجعه گسترده ملی هم یک دلیل کوچک دارد و آن هم بیکاری است !.

ملاحظه می کنید که تنگناهای اقتصادی و بیکاری چه آسیبی به محیط زیست می رساند و تنها راه حل آن ایجاد فرصت های شغلی پایدار است که با اوصاف فوق عمدتا در توسعه صنعتی محقق می شود و یکی از بهترین و موجه ترین صنایع ممکن برای استان ما همین پتروشیمی ها و صنایع پایین دستی نفت و گاز هستند. محیط زیست واجب و محترم است و رعایت آن شرط توسعه پایدار ولی دوستان ما گاو "بیکاری" را که به جان خرمن محیط زیست افتاده است نمی بینند و حواسشان به گنجشگ پتروشیمی است که دانه ای نبرد !!

در پایان عرض کنم که آقای دکتر رنانی از بی اثر شدن شکلات های اقتصادی گفته اند و فرازی هم در مذمت پولهای کثیف دولتی و حکومتی رفته اند. در مورد پول کثیف دقیقا متوجه منظورشان نشدم چون خود ایشان احتمالا کارمند و حقوق بگیر دولت باشند و هزینه دانشگاه محل خدمتشان و سمینارها و سفرها هم دولت بپردازند ولی در مورد شکلات من هم آرزو کردم همین طور باشد که می گویند و شکلات یارانه و رانت دولتی بی مشتری شده باشد. همچنین آرزو کردم ای کاش از شر بعضی از این شکلات های شیرین فکری و نظری هم رها می شدیم. سختی ها و دردسر های فکر کردن و اندیشه ورزیدن از یک طرف و شاهکار مدیریت جامعه در ممانعت از تعمیق تفکر و گفتگو و تنگ شدن عرصه بر صاحبان اندیشه های عمیق و جدی و ایضا رفیق ناباب دانشگاههای فراوان و بی مقدار و ذغال خوب واتساپ و تلگرام، با زاری برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان شکلات های فریبنده و بی خاصیت اندیشه و فکر مهیا کرده است تا جوانان ما را به تنبلی ذهنی و دریافت سطحی ترین و دم دست ترین تحلیل ها معتاد کند. این دانشمندان صاحب تریبون که به تعبیر دکتر شریعتی دریایی هستند به وسعت اقیانوس ولی به عمق یک سانتی متر و در این زمانه عسرت، میدانی فراخ یافته اند تا با تقلیل مشکلات پیچیده و چند وجهی جامعه ایران به ظاهری ترین و سطحی ترین شکل ممکن و کادوپیچ کردن تحلیل های سبک و تخیلی و ارائه راه حل های کپسولی در قالب چهل دستورالعمل فلان و بهمان، مانع از اندیشه ورزی دانشجویان و جوانان شوند. مقداری اطلاعات از یک موضوع مورد توجه عوام به اضافه چند گرم خبر جذاب و ادبیات به مقدار لازم، کافی است تا سرآشپزهای ماهری هم پیدا شوند برای طبخ خوراک های فکری نامرغوب و تغذیه ناسالم جوانان. آقای رنانی دعا کنید قبل از هر چیز از این وضعیت خلاص شویم.

درخت تناوریم؛ نه جوانه‌های آن

در پاسخ به یادداشت محسن رنانی

امان الله شجاعی



اقتصاد عرصه ی شعور و عقلانیت است و تدبیر در امور نیاز اولیه ی آن، و صدالبته رفتارهای عقلایی بیشتر از هر امر دیگری متوجه مسائل اقتصادی است. حال چه شده است که عالم اقتصادی "نظام تدبیر" را به تمسخر گرفته و خلاف آموزه‌هایش می‌نویسد و فرمان می‌دهد؟

جناب دکتر محسن رنانی که خود یک اقتصاددان است و تحلیل هایش می بایست بر محور رفتارهای عقلایی باشد، حداقل در مورد پتروشیمی دشتستان در چاله ی احساسات گرفتار شده و در آن تاریکی خودساخته، و نبود دید کافی برای ارزیابی دقیق، حدود پنجاه نفر معترض که از چند شهرستان در آن محل گرد آمده بودند را دو هزار نفر به شمار آورده است.

جناب استاد رنانی؛ اولا نیمی از آن ۵۰ نفر که به عنوان مخالف در آنجا حضور یافته بودند، اصلا اهل دشتستان نبودند و از سایر شهرهای استان بوشهر آمده بودند. علتش هم این بود که از جمعیت قریب به ۳۰۰هزار نفری دشتستان، چهل و هفت هزار نفرکه ساکن در همان منطقه هم بودند، حاضر به مخالفت با این پروژه نشدند. علاوه بر آن، در همان روز و در حدود ۱۲۰ کیلومتری همان پروژه ای که کلنگ آن بر زمین زده نشد، در شهرستان دیلم مردم بزرگوارش، هم با سلام و صلوات به استقبال مسئولین آمدند، و هم گوسفند قربانی کردند.

جناب استاد رنانی؛ مردم بزرگ لیراوی، یا همان دیلمی ها، حنجره ها را پاره کردند ولی نه در مخالفت، بلکه در شادی و استقبال.

در شهرستان دیلم، زنان و مردان، جوانان و کهنسالان، مرتب شعار شادی می دادند و با نام بردن از برخی مسئولین حاضرِ در آن جمع، برای آنان دست تکان می دادند. یقیناً مردم این مرز و بوم «جنوب جنوب» نبودند و نسبت به محیط زیست منطقه‌شان هم احساس بی‌مسئولیتی نداشته‌اند. بلکه با تدبیر، درایت، هم‌اندیشی و با یافتن راهکارهای برون رفت از مشکلات و معضلات مختلف، نه تنها پذیرای نه مجتمع پتروشیمی، بلکه مالک منطقه ویژه اقتصادی شمال استان با رویکرد استقرار صنایع نفت و گاز هم شده اند.

- آیا در نگاه جنابعالی مردم شهرستان دیلم گرفتار بلایای جنوب جنوب شده اند؟

- جناب استاد رنانی؛ این جا بوشهر است. مردم این دیار حداقل پنج حمله ی خارجی از هلندی تا پرتقالی و امریکایی را با گوشت و پوست خود و تا مغز استخوان درک کرده اند. آنان می دانند که در ۲۰ کیلومتری آن ها در همین دریای پارس که با نام زیبای خلیج فارس مزین است، گرگ های درنده ای سنگر گرفته اند که هر چه ما نیازمندتر و ناتوان تر شویم، در حقیقت به قدرت آنها افزوده ایم.

محیط زیست را آنها خراب کرده اند تا پاسخگوی نیازهای اقتصادیشان باشند. جنگل ها را آن ها خراب کرده اند. محیط زیست را آن ها خراب کرده اند تا کارخانه ها و کارگاه هایی را بسازند که مواد اولیه اش در زیر زمین ها،کوه ها و دریاهای ماست. لایه ی اوزون را آن ها با مشکل مواجه کرده اند.

حال که بر اثر انتشار علم و دانش و امکان استفاده از تجارب بشری کار به جایی رسیده که توان انجام برخی کارها بدون آسیب رسانی به محیط پیرامون را داریم و امکان تبدیل مواد اولیه به نیازهای ضروری در برخی موارد برایمان وجود دارد، چرا می‌بایست به بهانه‌های مختلف از رشد و توسعه کشور و استان ممانعت شود؟

- جناب آقای استاد رنانی؛ واضح است کشورهای شمال یا شمال شمال، زیرزمین ها و روی زمین هایشان مملو از سلاح های کشتارجمعی و نیز سلاح های متعارف و غیرمتعارف، سلاح های اتمی و غیراتمی است، آیا همه‌ی اینها با رعایت حفظ محیط زیست تولید شده است؟ و یا حال که محیط زیست را برای ما چماق کرده‌اند خود نیز رعایتش می‌کنند و کارخانه‌های مخرب تعطیل شده است؟ خیر؟ نه کارخانه‌ای به کل تعطیل شده (مگر اینکه بهتر از آن ساخته شده باشد) و نه قرار است چنین بشود.

جناب استاد رنانی؛ شما بهتر از بنده می‌دانید که اگرچه علم حکومت بسیار تغییر کرده است، لکن شعور بی شماری از حاکمان از آن چه بوده هم بیشتر به قهقرا رفته و به جایی رسیده است که روزانه آنچه علیه بشریت تولید می‌شود به مراتب بیش از آن است که سالیانه برای دفاع از بشریت ساخته می‌شود.

سؤال فرموده‌اید که معلوم نیست آب این پتروشیمی از کجاست؟ هر چند مسئله آب نه تنها از دغدغه‌های استان، بلکه دغدغه کلی کشور است، اما خوشبختانه بوشهر، دریای عظیم خلیج فارس را برای صنایع خود می‌تواند داشته باشد. ضمن اینکه برای پروژه مذکور، تأمین آب از سد رئیسعلی دلواری است که در کمترین حد سالیانه اش حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب آب دارد و این پتروشیمی مصرف سالیانه اش در بالاترین حد قریب به یک ونیم میلیون متر مکعب است.

همچنین به عدم برخورداری پروژه از مجوز محیط زیست اشاره فرموده اید در صورتی که چندین صفحه توجیه لازم تدوین شده و به تهران ارسال و در حال بررسی است و هیچ گونه دلیل قطعی هم مبنی بر عدم انجام اعلام نشده است.

نسیم جنوب
ویژه
شماره ۸۴۵ یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۶
NASIM JANOUB

مجری طرح کیمیا شهر:

آمادگی مردم مناطق مختلف استان برای اجرای پتروشیمی دشتستان



مجری طرح کیمیاشهر دشتستان گفت: در پی دستور وزیر صنعت، معدن و تجارت مبنی بر مهلت یک هفته ای منطقه میزبان اجرای طرح پتروشیمی دشتستان در پی مخالفت شماری از مردم منطقه، هم اینک مردم مناطق مختلف این استان از محله آبپخش آمادگی خود را برای پذیرا شدن محل احداث پتروشیمی اعلام کرده اند.

جلیل ابراهیم پور در گفت وگو با ایرنا افزود: کیمیاشهر دشتستان یک پروژه مهم و بزرگ صنعتی است که با احداث واحد تولید 'پلی استال' شروع می شود و در ادامه، دهها واحد تولیدی پایین دستی و قطعه سازی، در کنار آن راه اندازی می شود تا از تولیدات پلی استال، کالاهای مورد نیاز بازار تولید شود.

وی تصریح کرد: در این شهرک پروژه های استفاده از ضایعات محصول خرما، تنه و برگ درخت خرما، چسب و ده ها پروژه که منافع اقتصادی با رعایت ضوابط زیست محیطی قابل احداث خواهد بود.

مدیرعامل شرکت پالایش گاز خارگ و مسئول شهرک پتروشیمی دشتستان با اشاره به تصمیم وزیر صنعت، معدن و تجارت مبنی بر اینکه امام جمعه آبپخش نظر مردم این منطقه را در مدت یک هفته اعلام کند گفت: در صورت موافقت بیشتر مردم آبپخش با اجرای طرح در مکان کنونی که زمینهای آن به وسیله سرمایه گذار خریداری و بخشی از آن آماده سازی شده است، در خصوص ادامه کار در آن منطقه تصمیم گیری می کنیم.

وی یادآور شد: در غیر این صورت، مکان یابی جدید با معیارهای کارشناسی، فنی، مالی، اقتصادی و رضایت کامل مردم منطقه جدید، انجام خواهد شد تا بتوانیم در امنیت، آرامش کامل و رضایت و حمایت مردم میزبان، پروژه را شروع کنیم.

وی با اشاره به اعلام آمادگی مردم مناطق مختلف استان برای پذیرا شدن محل احداث پتروشیمی و کیمیاشهر دشتستان از مردم و مسئولان محلی شهرها و روستاهایی که از سراسر استان تمایل و رضایت خود را برای میزبانی این پروژه مهم ابراز داشتند تشکر و قدردانی کرد.

ابراهیم پور بیان کرد: مکان یابی به صورت قطعی بر اساس ضوابط فنی، اقتصادی و شرایط زیست محیطی ذکر شده و سایر شرایط فنی منطقه انجام می شود و بی شک این جایگزینی پس از بررسی های کارشناسی از سوی هیأت مدیره شرکت پالایش گاز خارگ صورت می گیرد.

وی یادآور شد: با تغییر مکان، برخی مجوزها از جمله تخصیص سهمیه آب توسط شرکت آب منطقه ای استان و موافقت های بهداشت، امور اراضی، منابع طبیعی، راه و شهرسازی، شرکت تأمین و توزیع برق و سایر مجوزها که گرفته شده بود، بر اساس محل جدید، وصول می شود.

ابراهیم پور گفت: در مورد مصوبه و موافقت کمیته استانی محیط زیست، شرکت صنایع ملی پتروشیمی ایران در ماه گذشته برای مکان فعلی بعد از بررسی چندین ماهه و جلسه های توجیهی متعدد تأئید و با مجوز مدیریت زیست محیطی وزارت نفت به سازمان محیط زیست ارسال و فعلا در نوبت کمیسیون ماده ۲ سازمان محیط زیست است و در صورت تغییر محل مجددا مراحل را برای مکان جدید طی خواهیم کرد.

وی یادآور شد: به هر صورت، ما طرح را بنا به پیگیری مؤکد نمایندگان دوره های مختلف دشتستان، استاندار و مسئولان استانی و برای اشتغالزایی و رونق و برای نفع مردم اجرا می کنیم.

ابراهیم پور گفت: هر جا، کمترین مخالفت مردمی دیده شود، به احترام مردم و برای امنیت کار و سرمایه خود و جلوگیری از کمترین اعتراض و زیانهای بعدی به طرح، از شروع آن صرفنظر می کنیم و به جاهایی می رویم که این شرایط، همگی فراهم باشد.

بیانیه جمعی از فعالان مدنی و شبکه تشکل های محیط زیستی استان بوشهر

بگذاریم دشتستان، دشتستان بماند



مردم شریف دشتستان و استان بوشهر در هفته ای که گذشت شاهد یک حرکت اجتماعی بزرگ و اندیشیدن خردمندانه شما در فضای جغرافیایی دشتستان بزرگ بودیم که مورد تحسین و تقدیر در سطح ملی قرار گرفت. نویسندگان و دغدغه مندان جامعه نیز که دلشوره زیست محیطی دارند با قلم بر حضور پرشور شما صحه گذاشتند و حماسه شما را بر صفحه جراید ثبت نمودند.

حال که منابع آب، خاک و هوای جنوب استان ما در شهرستان های زیبای کنگان، عسلویه، دیر هم اکنون در سیطره و چنگال آلودگی های صنعت گاز و پتروشیمی دست و پا می زند و بر عمق جان مردم سایه افکنده و شاهد کاهش امید به زندگی و کوچ اجباری از مکانی هستیم که زمانی با تعلق خاطر در جوار دریا به آینده حیات سبز خود می اندیشیدند.

آیا می خواهیم تجربه های تلخ نابسامانی زیست محیطی که در جنوب استان با نادیده انگاشتن مردم اتفاق افتاد در دشتستان نیز که محور توسعه آن فعالیت های کشاورزی در برنامه آمایشی سرزمین ما تعریف شده تکرار شود، تاریخ ما نباید شاهد تکرار تجربه های تلخ باشد. آیا بهای جان را می توان با پرداخت حق آلایندگی پرداخت؟ چقدر از این حق آلایندگی در جنوب استان برای مردمی که از حداقل حقوق اولیه محروم هستند برای استانداردسازی فعالیت ها صرف می شود؟ ما در استان بوشهر جانمان را به بهای ارزان نمی فروشیم.

بگذاریم دشتستان، دشتستان بماند چرا که صنعت نفت در شمال استان در شهرستان دیلم تا مرز استخرهای پرورش میگو بویرات شاخه دوانیده است و اکنون پتروشیمی، همچنین گسترش پارس شمالی بر پهنه شهرستان دشتی در راه است. زندگی بدون امنیت غذایی ممکن نیست، همه مردم دنیا در تلاشند تا در سطح محلی، ملی و منطقه ای وابستگی غذایی را کاهش دهند و امنیت غذایی خود را در مرزهای خود تضمین نمایند. نقش فعالیت های کشاورزی در توسعه روستایی دشتستان بر کسی پوشیده نیست.

ما بسی خورسند هستیم که در عمق ۱۰ متری آبهای سرزمینی استان بوشهر و در دل آهک های آسماری آن منابع و ذخایر گاز خفته است. اما متأثر هستیم که عمق چاه های آب در گل دشت و شبانکاره به ۱۲۰ متر رسیده و آبخوان های ما خشکیده اند و دبی آب رودخانه شاهپور در استان در شرایط فعلی ۲۰۰ لیتر در ثانیه در تابستان است. اگر در کنار کتابخانه عمومی سعدآباد به رودخانه شاهپور نگاه کنیم رودی نمی بینیم که خانه ای داشته باشد، مآندابی است که بیشه و نی زارها امان از آن بریده اند چگونه در نامه ها دم از خشک رود شاهپور می زنیم در حالی که نخلستان های زیراه و سعدآباد از فرط تشنگی جانی در رمق ندارند. مردم اندیشمند دشتستان بیاییم و عاقلانه اندیشیدن را تجربه کنیم.

در این روزها سیل نامه هایی را با رونوشت های مختلف در فضای مجازی می بینم که با مشورت گرفتن از مدیران ارشد استانی می نویسند و هر گروهی سعی می می کند نااندیشیده و ناآگاهانه گوی سبقت را از دیگری برباید و حرکت پایدار اجتماعی مردم آبپخش را کم رنگ نمایند.

بیایید با در نظر گرفتن نفع عمومی و بر اساس خرد جمعی، مزایا، عواقب و پیامدهای صنعت پتروشیمی دشتستان را صادقانه و منصفانه کنار یکدیگر با آسیب شناسی وضعیت موجود تحلیل و بعد تصمیم به ارسال رونوشت ها نمایید. بی شک صلاح مردم استان، به ویژه شهرستان دشتستان این است که به جای سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی، این سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی با ارزش افزوده بجای خام فروشی، اجرای سیستم بهینه آبیاری، آموزش کشاورزان و باغداران، ایجاد سیستم زهکشی، آبخیز و آبخوانداری...

اکنون که حرکت فعالان مدنی و مردم شریف آبپخش گره خورد تا کلنگ پتروشیمی در نیمه راه بر زمین بماند. نیازمند همگرایی آگاهانه مردم شریف بخش های شبانکاره، سعدآباد و آبپخش و همراهی تشکل های مردم نهاد است تا پیگیر خواسته های معقولانه خود سازگار با محیط زیست و در راستای پایداری منطقه باشد.

شبکه تشکل های محیط زیستی استان بوشهر از اقدام اخیر همه فعالان اجتماعی و انجمن های همراه در این حرکت اجتماعی و همچنین انجمن های سرتاسر استان که در ادامه آن حرکت گفت و گوهایی را در فضای مجازی و رسانه ای استان شکل داده اند و با اطلاعات کافی و تخصصی، آگاهی رسانی نمودن حمایت می کند.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر:

در طرح پتروشیمی دشتستان هیچ نوع آلایندگی خطرناک تولید نمی شود

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر گفت: ایجاد و توسعه زنجیره‌های صنایع میان دستی و پایین دستی پتروشیمی ضروری است و طرح پلی استال دشتستان یکی از طرح‌های توسعه زنجیره ارزش است.

به گزارش خبرنگار مهر، سیدحسین حسینی محمدی در جمع خبرنگاران با اشاره به بند ۱۵ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری اظهار داشت: افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و محصولات پتروشیمی بعنوان یک اصول مهم برای توسعه صنایع پایین دست پتروشیمی به لحاظ مزیت های نسبی استان و قابلیت های بالای ایجاد اشتغال و صادرات غیر نفتی است.

حسینی محمدی اضافه کرد: با توجه به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در صنایع بالادست پتروشیمی در شهرستان‌های عسلویه، دیر و کنگان و تولید انواع گازهای متان، اتان، اتیلن، متانول و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد از مزیت‌های رقابتی استان برای سرمایه‌گذاری و ایجاد واحدهای پایین دستی پتروشیمی است.

وی افزود: پلی استال نیز یکی از زیرمجموعه‌های پایین دستی متانول است که از طریق تبدیل متانول به فرمالدئید به‌دست آمده و نظر به عدم تولید در کشور، با استقرار این صنعت به خودکفایی خواهیم رسید.

توسعه اشتغال با اجرای پتروشیمی دشتستان

رئیس سازمان صنعت معدن و تجارت در تشریح تولید این نوع پلیمر اضافه کرد: ظرفیت تولید این طرح سالیانه ۲۰ هزار تن پلی استال از مصرف ۲۵ هزار تن متانول است که در حال حاضر ظرفیت واحدهای تولیدی متانول در عسلویه هرکدام یک میلیون و ۶۵۰ هزار تن (روزانه ۵ هزارتن) و طرح متانول کاوه که در آینده ای نزدیک به بهره برداری خواهد رسید دو میلیون و ۳۰۰ هزار تن (روزانه ۷ هزارتن) خواهد بود که به عبارتی ظرفیت طرح پلی استال نسبت به میانگین هر یک از واحدها و طرح های تولید متانول در استان بطور متوسط حدود یک درصد خواهد بود. وی اضافه کرد: با توجه به ارزش افزوده نهایی محصول، تکنولوژی و دانش فنی، حجم سرمایه‌گذاری طرح نسبت به میزان تولید از طرح های بالادستی آن بالاتر است اما میزان آب مورد نیاز طرح مذکور قابل مقایسه با واحدهای پتروشیمی بالادستی و میان دستی موجود در استان نیست.

تحقق مسائل زیست محیطی و تأمین آب

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گفت: مجری طرح پلی استال مجوزها و موافقت‌های لازم از دستگاه‌های ذیربط منجمله وزارت نیرو و آب منطقه ای استان را برای تأمین آب اخذ کرده که در آن رعایت الزامات زیست محیطی آب و زمین‌های مجاور اجرای طرح لحاظ شده است. علاوه بر این در طرح جامع زیست محیطی پروژه مذکور که به تأیید واحد hse شرکت ملی صنایع پتروشیمی رسیده به تدوین پیوست سلامت نیز اشاره شده است.



این مقام مسئول در ادامه عنوان کرد: این پلیمر با توجه به دارا بودن خواص ویژه، کاربردهای فراوان و متنوعی در صنایع لوازم خانگی، مصالح ساختمانی، قطعات خودرو، شناورسازی، لوازم صیادی، صنایع بسته بندی، سایر انواع محصولات لاستیکی و پلاستیکی داشته به گونه ای که قریب به ۵۰ درصد پلی استال تولیدی دنیا در صنایع خودروسازی مورد استفاده قرار می گیرد.

هیچ نوع آلایندگی خطرناک تولید نمی‌شود

حسینی محمدی در ادامه تأکید کرد: در فرآیند تولید این پلیمر برخلاف واحدهای بالادستی پتروشیمی تقریبا هیچ نوع آلایندگی خطرناک تولید نمی‌شود و پسماندهای ناچیز مایع و گازی طرح تماما با استفاده از روش متداول تصفیه پساب، بازیابی و تصفیه شده و هیچ گونه دور ریزی به محیط زیست وارد نمی‌کند.

وی گفت: استفاده از استخرهای روباز برای تبخیر پساب خروجی از آب‌شیرین‌کن به منظور جلوگیری از بازگشت آب شور به سد و همچنین نفوذ به زمین های مجاور لحاظ خواهد شد ضمن اینکه استخر دارای پوشش های پلیمری مخصوص برای جلوگیری از نفوذ آب به زمین است و املاح جامد از کف استخر به صورت سالیانه جمع‌آوری و به مکان‌های نگهداشت زباله‌های شهری مورد تأیید منتقل خواهد شد و همچنین پسماندهای گازی نیز توسط اجکتور جمع آوری و به کوره زباله سوز منتقل می‌شود. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان با اشاره به ارزش اقتصادی پلیمر تولیدی بیان کرد: در طرح مذکور محصول پلی استال گرانول با ایجاد ۷ برابر ارزش افزوده بیشتر نسبت به متانول، ضمن ایجاد ظرفیت اشتغالزایی قابل توجه، نیاز ۸ هزار تنی صنایع مختلف کشور را تأمین و صرفه جویی ارزی ده‌ها میلیون دلاری و ارزآوری مناسبی برای کشور به دنبال خواهد داشت.

راه اندازی واحدهای قطعه سازی

حسینی محمدی تأکید کرد: با احداث واحد تولید پلی استال، واحدهای تولیدی پایین دستی و قطعه سازی نیز در ادامه آن راه اندازی شده که ضمن سرمایه گذاری مناسب، ایجاد فرصت‌های شغلی و تکمیل زنجیره ارزش، کالاهای مورد نیاز بازار داخل نیز تولید خواهد شد.

وی تصریح کرد: در شهرک صنعتی کیماشهر دشتستان علاوه بر طرح اصلی تولید پلی استال، با توجه به مزیت‌های منطقه، پروژه‌های استفاده از ضایعات محصول خرما، تنه و برگ درخت خرما، چسب و ده‌ها طرح دیگر که دارای منافع اقتصادی و ضوابط زیست محیطی استاندارد هستند، قابل احداث خواهد بود.

حسینی محمدی اضافه کرد: توسعه پایدار در تعادل میان سه مفهوم رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست خلاصه می‌شود و اقتصاد و محیط زیست در امتداد یکدیگر قرار دارند.

وی گفت: در حال حاضر یکی از الزامات مورد توجه بانک‌های بین‌المللی برای اخذ فاینانس، بستن قرارداد سرمایه گذاری و تأمین مالی طرح های توسعه ای مسئله محیط زیست و مسئولیت‌های اجتماعی است.

رعایت الزامات زیست محیطی و مسئولیت های اجتماعی

وی با بیان اینکه مجریان طرح پلی استال به دنبال دانش فنی و تکنولوژی و همین طور اخذ فاینسور خارجی هستند افزود: قطعا رعایت الزامات زیست محیطی و مسئولیت های اجتماعی مدنظر قرار خواهد گرفت، ضمن اینکه در صنایع پتروشیمی خصوصا واحدهای پایین دستی برای بهره‌وری بیشتر و رقابت‌پذیری استفاده از فناوری‌های جدید و پیشرفته یک اولویت است. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بیان کرد: در کشورهای توسعه یافته، واحدهای صنعتی با به‌کارگیری دانش و ابزارهای پیشرفته مجهز به سیستم های کاهش آلایندگی، نسبت به رعایت الزامات زیست محیطی، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی ملزم و در محدوده های شهری واقع هستند؛ ضمن اینکه متولیان محیط زیست نیز علاوه بر توجه به محیط زیست به واحدهای صنعتی مشاوره های لازم در جهت ارتقا و بهبود شاخص های زیست محیطی می دهند.

حسینی محمدی با اشاره به اعلام برخی از مکان‌های جدید برای سرمایه گذار تصریح کرد: تصمیم نهایی انتخاب مکان جدید به منظور اجرای پروژه توسط سرمایه گذاران با بررسی توجیه فنی، اقتصادی و مالی صورت خواهد گرفت و عواملی نظیر دسترسی به زیرساخت‌های اساسی از قبیل جاده دسترسی، تأمین گاز، آب و برق، تسطیح و آماده سازی زمین، تأمین مواد اولیه مورد نیاز و ... تعیین کننده این موضوع است.

وی یادآور شد: امروزه در کشور ایجاد جذابیت و مشوق برای سرمایه گذاری به یک رقابت و مسابقه بین استانها تبدیل شده و باید با تلاش، هم افزایی و تسهیل‌گری و ایجاد اعتماد و اطمینان شرایط محیطی لازم را برای جذب سرمایه گذاری در بخش تولید فراهم کنیم.

ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد



ناصر علیخواه: با فرارسیدن ماه مرداد نگاه تاریخی متوجه به کودتای ۲۸ مرداد می شود. این ماه از سال ۳۲ که با کودتایی انگلیسی امریکایی و با نفوذ عوامل داخلی و اوباش انجام و موجب سقوط و براندازی دولت ملی دکتر مصدق شد، شناسه سیاسی و تاریخی خود را از این اتفاق می گیرد، کودتایی که موجب شد رشد رو به جلوی دموکراسی در ایران برای سال ها متوقف شود و ایران به سمت دیکتاتوری سوق پیدا کند و این ماه انگیزه ای شد یادآور ارزشی همراه با خاطراتی از دکتر مصدق هنگام ورود به ایران و برخورد قاطع وی در گفت و شنود با «سرپرسی کاکس» که خود معمار و برنامه ریزی قرارداد ۱۹۱۹ میلادی که به بغداد عزیمت داشت و با دکتر مصدق همسفر شد و با آن که در گفت و گو با وی احساسات ایران دوستانه دکتر مصدق جریحه دار گردید اما با جوابی که به وی داد، رضایت خاطری حاصل شد که:

در پی مخالفت های مردمی در ایران علیه وثوق الدوله و قرارداد معروف ۱۹۱۹ میلادی که استقلال طلبان از آن به عنوان قرارداد «تحت الحمایتی» ایران یاد کرده اند و پیگیری و دیپلماتیک ایرانیان وطن خواه در ایران و اروپا سرانجام در چهارم تیر ۱۲۹۹ خورشیدی «کابینه قرارداد» از کار کناره گرفت، و سه روز بعد میرزا حسن خان مشیرالدوله که دارای اندیشه های ملی و آزادی خواهانه بود به ریاست الوزرایی انتخاب شد. و دکتر محمد مصدق را که هنوز در اروپا هماهنگ با «کمیته مقاومت بین الملل»۱ به مبارزه علیه دسیسه های امپریالیسم بریتانیا ادامه می داد. به عنوان وزیر عدلیه معرفی کرد. دکتر محمد مصدق پس از اندیشه و تأملات بسیار، سرانجام در بازگشت به ایران و همکاری با مرحوم مشیرالدوله پیرنیا عزم خود را جزم کرد. اما به دلیل بیماری، مسافرتش به درازا کشید. بعدها از بندر مارسی با کشتی حرکت به مشرق زمین آغاز کرد و از اتفاق «سرپرسی کاکس»۲ معمار و برنامه ریز قرارداد ۱۹۱۹ میلادی که به بغداد عزیمت داشت، با دکتر مصدق همسفر شد و با آن که در گفت و گوی با وی، احساسات ایران دوستانه ی دکتر مصدق بابت سؤالی کرده بود، جریحه دار گردید اما با جوابی شکننده که به وی داد رضایت خاطری حاصل شد. یکی از شب ها در کشتی بعد از شام، «سرپرسی کاکس» وزیر مختار انگلیس که امضا کننده قرارداد وثوق الدوله بود، از من پرسید شما وزیر عدلیه ایران هستید؟ گفتم بلی. گفت من هم سرپرسی کاکس و اکنون کمیسر عالی عراق هستم که به محل مأموریت خود می روم.

چون مأموریت خود را گفت من از او سؤال کردم آیا ممکن است از بصره با راه آهن به بغداد بروم و از بغداد به تهران حرکت کنم؟

گفت: من فردا در عدن پیاده می شوم و تحقیق می کنم. اگر ممکن باشد به شما فردا شب بعد از صرف شام جواب می دهم.

فردا شب به من گفت: مطابق تحقیقاتی که به عمل آوردم راه آهن بصره بغداد را اعراب خراب کرده اند و قابل عبور نیست.

گفتم: بنابراین در بندر خودمان پیاده می شوم.

گفت: بندر خودتان کجاست؟

گفتم بندر بوشهر.

گفت: بوشهر بندر ایران است؟

گفتم: ما ایرانیان آن جا را بندر ایران می دانیم. خندید و هیچ نگفت.

دکتر مصدق در پانزدهم مهرماه ۱۲۹۹ خورشیدی از طریق بندر بوشهر به شیراز عزیمت کرد. مردم شیراز از وی پذیرایی شایانی کردند و از او خواستند که در فارس بماند و والی گری دولت منطقه را بپذیرد. آزادگان شیرازی به تلگرافخانه رفتند و با ارسال تلگراف ها، از دولت مرکزی هم تقاضا کردند که وی را در مقام والگیری فارس انتخاب نمایند. این امر شاید برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران تحقق یافته است. مشیرالدوله با آن که دکتر مصدق را به دلیل جوان بودن و آشنایی به مسایل حقوقی برای تصدی وزارت عدلیه مناسب تشخیص داده بود، اما برای خواسته مردم شیراز احترام قائل شد. و در واقع به والی منتخب مردم رأی مثبت داد و وی را به تلگرافخانه فرا خواند و تلگراف زیر را برای او که هنوز در منزل مؤیدالملک یکی از دوستانش اقامت داشت، ارسال کرد: «طبقات مختلف فارس در این موقع که والی سابق استعفا داده است، انتخاب شما را از دولت درخواست کرده اند. این است که تقاضا می کنم با درخواست آن ها موافقت کنید. و هر پیشنهادی هم که برای انتظامات آن ایالت لازم می دانید، بنمایید که دولت کاملاً موافق است»۴

یاران پس از تو باز براه تو می روند
شرمنده آن که راه برین کاروان ببست

پی نوشت:

۱- ماهنامه بخارا شماره ۱۱۸-صفحه ۲۷۸ خرداد و تیر ۱۳۹۶

۲- همان منبع صفحه ۲۷۸

۳- خاطرات و تأملات دکترمصدق، محمد- با مقدمه غلامحسین مصدق

۴- اسلامیه- مصطفی- قلب فولاد- زندگی نامه دکتر مصدق- محمد- تهران- نیلوفر ۱۳۸۱-۵۲

۵- حافظ

۶- حافظ- یاران پس از تو باز براه تو می روند-شرمنده آن که راه برین کاروان ببست

گزارش فیس بوکی استاندار بوشهر از سفر مهندس نعمت زاده به استان و کلنگ زنی پتروشیمی های دشتستان و شمال استان (دیلم):

توسعه و آبادانی را نباید بر مردم تحمیل کرد



با سلام و تحیت.
دیروز میزبان مهندس نعمت زاده، وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت بودیم. ایشان برای ۴ منظور، حدود ساعت ۱۶:۴۵ وارد استان شدند؛
۱) شروع فعالیت «کیمیاشهر دشتستان» ، ۲) طرح پلی استال (پایین دستی پتروشیمی)، ۳) منطقه ویژه شمال استان، ۴) شروع احداث پتروشیمی رجال در منطقه ویژه مذکور.
از فرودگاه، باتفاق نمایندگان محترم، آقایان خدری و سعادت، معاون و همراهان وزیر و مدیران استانی، عازم دشتستان شدیم تا شاهد شروع رسمی شهرک صنعتی یا «کیمیاشهر دشتستان» و شروع عملیات اجرایی پروژه پلی استال باشیم؛
یک) شهرک صنعتی اختصاصی، با هدف تولید پلی استال و دهها واحد تولیدی انواع قطعات خودرو و سایر تولیدات از آن، تحت عنوان «کیمیاشهر دشتستان» و با وسعت تقریبی ۱۵۰ هکتار تعریف شده است.
دو) واحد پلی استال (پتروشیمی) دشتستان؛ این واحد به عنوان پروژه اصلی واقع در «کیمیاشهر دشتستان» و با مشخصات زیر می باشد؛
۱) اولین واحد تولید پلی استال در کشور و خاورمیانه با تکنولوژی پیشرفته و پیچیده.
۲) خوراک روزانه ؛ ۱۰۰تن متانول معادل ۴ سرویس تانکر که به وسیله تانکر از ماهشهر یا عسلویه منتقل می شود و تقریباً مصارف آن، معادل بنزین مصرفی یک پمپ بنزین معمولی در استان است،
۳) تولیدات: پلی استال که نوعی پلاستیک سخت و سفید رنگ می باشد، در صنایع خودرو از جمله چرخ دنده بالابر شیشه، پمپ بنزین خودرو، چرخ دنده برف پاک کن، برخی قطعات سخت داشبورد و امثالهم، چرخ دنده های اسباب بازی و بالاخره در صنایع مختلف بکار می رود.
۴) صنایع پایین دستی این واحد، شامل کارگاههای کوچک برای تولید قطعات نیز، همگی فاقد آلایندگی بوده و ۲ برابر خود واحد پلی استال، سرمایه گذاری و اشتغال زایی خواهند داشت.
۵) میزان سرمایه گذاری: حدود ۴۰۰ میلیارد تومان (۱۰۰ میلیون دلار و ۲۰ میلیارد تومان) برای واحد پلی استال و معادل حدود ۲ برابر این مبلغ در حوزه واحدهای پایین دست در طول زمان، سرمایه گذاری می شود.
۶) اراضی مورد نیاز: برای اصل واحد پلی استال حدود ۱۵ هکتار و برای احداث واحدهای کوچک پایین دستی، واحدهای اداری، خدماتی، انبارها و امثالهم، جمعاً حدود ۱۳۵ هکتار، پیش بینی گردیده است. لذا کل اراضی در حدود ۱۵۰ هکتار، تحت عنوان شرکت صنعتی «کیمیاشهر » طراحی و تعریف شده است.
۷) میزان آب مصرفی: آب مصرفی واحد پلی استال، سالیانه ۳۰۰ هزار مترمکعب و روزانه ۸۲۱ مترمکعب، آب مصرفی واحد مذکور با احتساب مصارف جانبی و فضای سبز و درختکاری، سالیانه ۵۰۰ هزار مترمکعب و روزانه ۱۳۶۹ مترمکعب و آب مصرفی آن واحد با احتساب کلیه طرح های توسعه پایین دستی و مصارف کل شهرک صنعتی «کیمیاشهر» در افق بلندمدت، معادل سالیانه یک و نیم میلیون مترمکعب و روزانه ۴۱۱۰ مترمکعب می باشد. سد رئیسعلی دلواری ، ۷۰۰ میلیون مترمکعب ظرفیت و عملا حتی در خشکسالی های اخیر، سالیانه، حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب آب داشته است.
۸) وضعیت آلایندگی: این واحد، فاقد فلز و شعله و دود می باشد و روزانه ۱۰۰ تن متانول (مایعی مثابه بنزین)، مصرف می کند. (در حد بنزین مصرفی یک پمپ بنزین معمولی در بوشهر)
پساب واحد، معادل ۵ مترمکعب مایع در روز می باشد (به اندازه آب مصرفی ۵ خانوار) که پس از تبخیر آن، رسوبات آن، حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم در روز، جمع آوری و به صورت جامد به مکان دفع پسماندها منتقل می گردد.
این رسوبات، شامل گچ و نمک می باشد و واحد، فاقد هر نوع پسماند فلزی مضر نظیر جیوه و امثالهم می باشد.
۹) سایر مشخصات؛ مشابه این واحد، در کشورهای مختلف از جمله لهستان وجود دارد. لیسانس (تکنولوژی) آن، آلمانی می باشد که از لهستان اخذ شده است.
علی ایحال، با تجمع ۶۰- ۵۰ نفر، وزیر محترم صنعت، از اعلام شروع عملیات اجرایی امتناع و اعلام نمودند؛ چنانچه نظر مردم شریف آبپخش، مخالف با نظر تجمع کنندگان می باشد، توسط امام جمعه محترم آبپخش وصول و به فرماندار اعلام شود و در غیر این صورت، این واحد (و البته کل کیماشهر)، پس از یک هفته، به نقطه دیگری که مردم متقاضی آن باشند، منتقل می گردد.
علی ایحال، پس از سالها پیگیری و اصرار، زمینه شروع پروژه فراهم شده است. ما برای مردم کار می کنیم و لذا اگر مردمی یک پروژه را نمی خواهند، انتخاب با آنهاست و ما در هیچ شرایطی، حاضر به تقابل با مردم نیستیم و حتی توسعه و آبادانی را نباید بر مردم تحمیل کرد.
ضمن اینکه هیچ سرمایه گذاری، در فضای مخالفت و پرخاش و تنش، صدها میلیارد سرمایه اش را بر زمین نمی ریزد. سرمایه گذار، امنیت، آرامش و تکریم می خواهد و هر کجا چنین فضایی بود، به همان جا می رود.
طرح پلی استال (پتروشیمی) دشتستان و کل شهرک صنعتی (کیمیاشهر) دشتستان، قطعاً با قاطعیت و با تمام واحدهای پایین دستی، اجرا خواهد شد، البته در مکانی که مردم آنجا، به اتفاق بخواهند و استقبال کنند. حین ابراز مخالفت معترضین و بلافاصله پس از آن، سایر شهرها و روستاهای دشتستان، متقاضی احداث کیمیاشهر و پتروشیمی در بخش و محل خود شدند که پس از یک هفته مقرر، تصمیم گیری و فوراً اقدام می شود.
سه) شروع رسمی فعالیت منطقه ویژه اقتصادی شمال استان با حضور مهندس نعمت زاده: این منطقه ویژه با وسعت ۳۸۰۰ هکتار از جنوب به فرودگاه بهرگان، از شمال به رودخانه (فصلی) بویرات، از شرق به اتوبان گناوه- دیلم و روستای حصار و از غرب به ساحل دریا منتهی می شود. منطقه ای با موقعیت بی نظیر برای رونق و اشتغال زایی در شمال استان و بالاخص شهرستان دیلم.
سال گذشته، مجوز سهمیه خوراک به میزان ۲۰ میلیون مترمکعب در سال، از وزارت نفت برای این منطقه گرفته شد.
چهار) شروع عملیات اجرایی و کلنگ زنی پروژه پتروشیمی رجالی در منطقه ویژه شمال استان (دیلم) توسط مهندس نعمت زاده و با استقبال بسیار خوب مردم دیلم، امام حسن و روستای لیلتین؛
این طرح پتروشیمی، با ظرفیت یک میلیون و یکصد هزار تن گاز (متان)، محصولات متنوعی تولید خواهد کرد. گاز مورد نیاز از خط لوله پنجم و بعداً خط لوله سراسری که از ۱۵ کیلومتری آن می گذرد، تأمین می شود.
این طرح، شامل ۴ واحد بزرگ است. واحد اول، از گاز اتیلن (۳۴۰ هزار تن در سال)، پروپیلن (۳۶۰ هزار تن در سال) و نفتای سبک (۳۸ هزار تن در سال) تولید می کند.
در واحد دوم، از پروپیلن واحد اول، حدود ۳۳۷ هزار تن انواع پلیمر تولید می شود.
در واحد سوم؛ از اتیلن واحد اول، حدود ۳۰۰ هزار تن پلی اتیلن تولید می شود.
واحد چهارم هم برای هر سه واحد، نیتروژن، هوای فشرده، آب مقطر و برق تولید می کند.
حجم کل سرمایه گذاری ثابت طرح، حدود ۴۵۷۸ میلیارد تومان (بیش از ۱۱ برابر پلی استال دشتستان) خواهد بود و هر ۴ واحد، در حدود ۹۰ هکتار زمین اجرا می شود.
علی ایحال با توجه به تمامی توضیحات ذکر شده، نکات زیر نیز قابل توجه است:
۱- از اتیلن، پی اتیلن، پلیمرها، نفت و پروپیلن تولیدی، صدها کالای مصرفی متنوع، در کنار این پتروشیمی، قابل تولید خواهد بود.
۲- اگر به درستی روی واحدهای پایین دستی کار کنیم، سرمایه گذاری هم استانی ها در واحدهای تولیدی پایین دستی (که سرمایه متوسطی نیاز دارند)، قابل تحقق خواهد بود.
۳- اشتغال جامعه میزبان، پیوست های اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی، از الزامات مورد تأکید استان، در اجرای همه پروژه های مورد اشاره خواهد بود.
سربلند باشید.
مصطفی سالاری

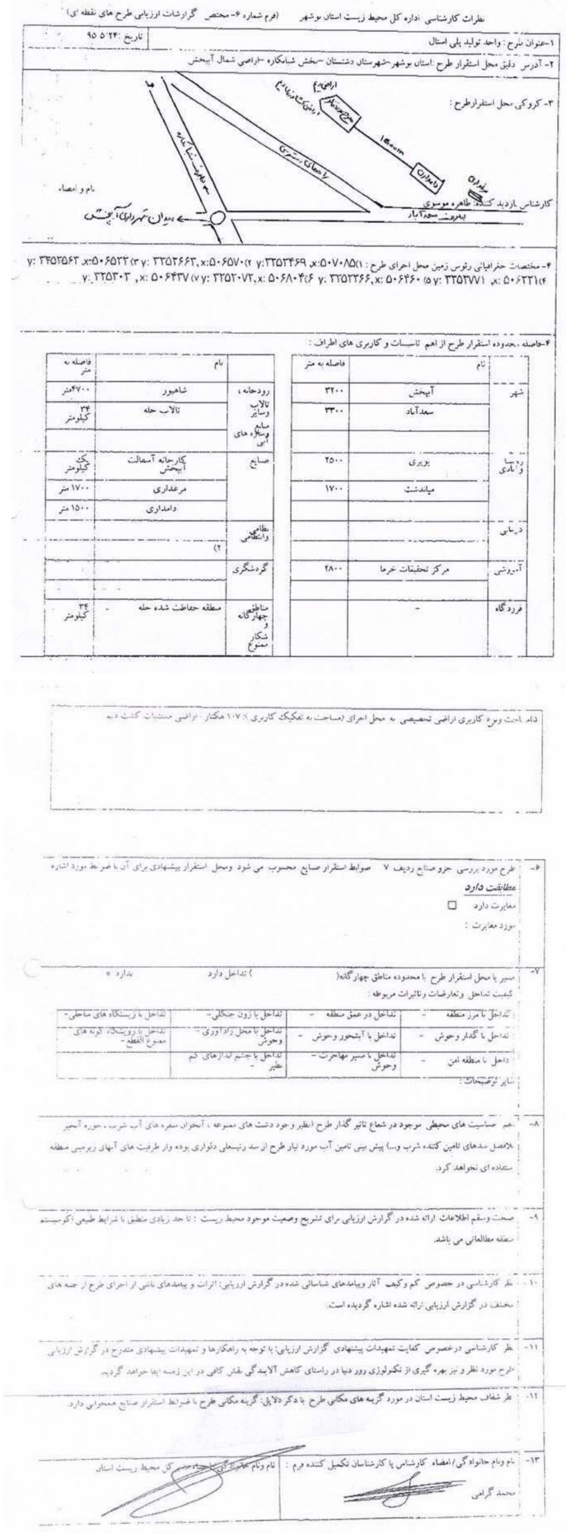
پتروشیمی دشتستان را به دشتی منتقل کنید

مختار پزشک- شورای شهر خورموج

محضر استاندار ساعی استان بوشهر آقای سالاری، ضمن تقدیر و تشکر از تلاش های حضرتعالی در دولت تدبیر و امید در جهت خدمت رسانی به استان: بر کسی پوشیده نیست. مردم می دانند که شما چقدر زمان و وقتتان را در راه توسعه استان بطور شبانه روزی بکار گرفتید. انصافا نتیجه آن هم برای مردم مشخص می باشد مطالبی چند پیرامون موضوع پتروشیمی دشتستان به عرض تان مبذول می دارم.
این طرح حاصل سالهای متمادی پیگیری جنابعالی می باشد وانگهی مردم شریف دشتستان رضایتمند نبودند جهت اجرا...
پس باید مکان و جای دیگری جانمایی گردد که توأم با رضایت مردم باشد مع الوصف خودتان مستحضرید شهرستان دشتی بیشترین بیکاری به خودش اختصاص داده است که هیچ طرح صنعتی در منطقه یافت نمی شود و بیکاری به حدی رسیده است که باعث از هم پاشیدن خیلی از خانواده ها شده است. لذا خواهشمندم دستور دهید این طرح را در شهرستان دشتی کنار پارس شمالی و جانمایی آن را مشخص کنند و در شهرستان دشتی پیاده گردد که از نظر آب کنار دریا می باشد و هم در آینده همجوار پارس شمالی می باشد در کنار رودخانه زیارت ساحلی پیاده گردد. تا معضلات اقتصادی منطقه مرتفع گردد و تا این طرح عظیم از استان خارج نگردد چنانچه این لطف و عنایت جنابعالی شامل حال منطقه دشتی گردد تا عمر مردم منطقه شما را فراموش نخواهند کرد.
در پایان باز هم تقدیر و تشکر خودم را نثار شما می کنم.

تأییدیه زیست محیطی پتروشیمی دشتستان توسط اداره کل محیط زیست استان بوشهر

حضور وزیر صنعت و معدن به منظور کلنگ زنی پروژه پتروشیمی دشتستان در آبپخش، با اعتراض تعدادی از ساکنان این منطقه همراه بود که مانع کلنگ زنی این پتروشیمی گردید.
دلیل اصلی مطرح شده برای این اعتراض ها، عدم موافقت سازمان محیط زیست با احداث این پتروشیمی بوده است که موجبات نگرانی سازمان های مردم نهاد و دوستداران محیط زیست را فراهم کرده است.
اما در سکوت اداره محیط زیست استان بوشهر، بررسی سوابق این پتروشیمی نشان می دهد که تمهیدات محیط زیستی پتروشیمی دشتستان از سوی اداره کل محیط زیست استان بوشهر مورد موافقت قرار گرفته است.


نظرات کارشناسی اداره کل محیط زیست استان بوشهر (فرم شماره ۶- مختص گزارشات ارزیابی طرح های نقطه ای)
تاریخ: ۹۵/۵/۲۴
۱-عنوان طرح: واحد تولید پلی استال
۲- آدرس دقیق محل استقرار طرح: استان بوشهر-شهرستان دشتستان-بخش شبانکاره-اراضی شمال آبپخش
۳- کروکی محل استقرار طرح:

بر اساس فرم شماره ۶ (مختص گزارشات ارزیابی محیط زیستی طرحهای منطقه ای) که به امضای حسین دلشب مدیرکل محیط زیست استان بوشهر رسیده است، پتروشیمی دشتستان واقع در شهر آبپخش با توجه به راهکارها و تمهیدات پیشنهادی مندرج در گزارش ارزیابی طرح مورد نظر و نیز بهره گیری از تکنولوژی روز دنیا در راستای کاهش آلایندگی نقش خود را به طور مناسبی در این زمینه ایفا خواهد کرد.
بر اساس این گزارش که در تاریخ ۲۴ مرداد ماه سال ۹۵ (دقیقا یک سال پیش) تنظیم شده است، صحت و سقم اطلاعات ارائه شده در گزارش ارزیابی برای تشریح وضعیت موجود محیط زیست، تا حدود زیادی منطبق با شرایط طبیعی اکوسیستم منطقه مطالعاتی می باشد.
به گزارش اتحاد خبر در این گزارش اداره محیط زیست استان بوشهر، به عدم استفاده طرح پتروشیمی دشتستان از آب های زیرزمینی اشاره و ذکر گردیده: "با توجه به حساسیت های محیطی موجود در شعاع تأثیرگذار طرح (نظیر وجود دشت های ممنوعه، آبخوان سفره های آب شرب، حوزه آبخیز بلافصل سدهای تأمین کننده آب شرب و...) پیش بینی تأمین آب مورد نیاز طرح از سد رئیسعلی دلواری بوده و از ظرفیت آبهای زیرزمینی منطقه استفاده نخواهد کرد.
نکته جالب توجه این است که در بند ۱۲ این گزارش که به امضای مدیرکل محیط زیست نیز رسیده است، نظر شفاف اداره محیط زیست استان بوشهر در مورد گزینه های مکانی طرح پتروشیمی دشتستان بدین شرح آمده است:
"گزینه مکانی طرح (پتروشیمی دشتستان) با ضوابط استقرار صنایع همخوانی دارد."

مخالفان پتروشیمی آبپخش، پاسخگوی خیل عظیم بیکاران باشند

امید بیغرض: این روزها شاید احداث پتروشیمی دشتستان یکی از داغ‌ترین و مهم‌ترین مباحثی است که در استان نقل محافل خبری شده و بسیاری از مردم و مسئولان کورکورانه تیغشان را برای این پروژه از رو بسته اند و تیشه به ریشه آن می‌زنند. این انتقادها و مخالفت‌ها که منتقدان آن، عمده دلایلش را کم‌آبی دشتستان، آلودگی‌های زیست‌محیطی و از بین رفتن خاک حاصلخیز کشاورزی عنوان می‌کنند، تا جایی پیش رفت که با اعتراض برخی از اهالی آبپخش دشتستان و فعالان محیط زیست، آغاز عملیات اجرایی پتروشیمی دشتستان با حضور وزیر صنعت لغو شد.
به گزارش یارا؛ محمدرضا نعمت‌زاده که برای کلنگ‌زنی پتروشیمی‌های دشتستان و دیلم به استان بوشهر آمده بود، با حضور در شهرستان دشتستان قصد داشت تا آغاز عملیات اجرایی این پروژه را استارت بزند که با بروز برخی مخالفت‌ها، عطای این پروژه را به لقایش بخشید و با اولین پرواز به تهران بازگشت. در این شرایط، یک سؤال به ذهن ما متبادر شد که با وجود سیل عظیم بیکاری در منطقه و خواست دیرین مردم این دیار برای داشتن سهمی از نفت و گاز استان، آیا تجمع اعتراض‌آمیز مردم به کلنگ‌زنی این پروژه به صورت خودجوش و خواست مردم خود دشتستان بوده یا خیر؟ البته در این مقاله قصد نداریم تا به این سؤال پاسخ دهیم اما در میان این همه انتقاد و مخالفت‌ها که از هر سو به این پروژه وارد شده و می‌شود، لازم است تا برخی نکات مهم که از قلم افتاده‌اند برای استحضار مردم بازگو شود.
در ابتدا و قبل از این‌که وارد مبحث اصلی و ذکر مزایای این پروژه شویم، لازم است بدانیم که امروزه برای ساخت پتروشیمی‌ها دیگر از روش‌های قدیمی، غیر ایمن و غیر استاندارد استفاده نمی‌شود، بلکه به لطف تلاش‌های تکنسین‌ها و مهندسان داخلی، توافقنامه برجام و ورود سرمایه و تکنولوژی‌های خارجی به کشور، صفر تا صد این‌گونه پروژه‌ها به صورت سبز و با ملاحظه عوامل زیست‌محیطی ساخته می‌شوند. در این زمینه، همان‌گونه که می‌دانید در چند سال اخیر ایران پیشرفت‌های زیادی در زمینه کنترل آلودگی‌های صنایع پتروشیمی و نفت وگاز داشته و مشعل‌ها یکی پس از دیگری خاموش می‌شوند؛ از طرف دیگر با استناد به سخنان بهره‌مند، مدیرکل استاندارد استان، طی سال‌های اخیر بسیاری از پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها برای دریافت گواهینامه‌های زیست‌محیطی اقدام کرده و هم‌اکنون به استانداردهای جهانی دست یافته‌اند که این مسأله می‌تواند برخی نگرانی‌ها در خصوص ایجاد آلودگی توسط این پتروشیمی را مرتفع کند.
ضمن این‌که علی یزدانی، عضو کمیته ماده ۲ ارزیابی زیست محیطی در این باره گفته که برای رعایت مسایل زیست محیطی در احداث پروژه‌های پتروشیمی شمال استان بوشهر، ۱۸۰۰ هکتار از اراضی منطقه به بهبود وضعیت محیط زیست اختصاص داده شده و بر اساس مطالعات انجام شده کلیه ضوابط زیست‌محیطی منطقه رعایت شده است.
نکته دیگر این‌که در سال‌های اخیر با توجه به سخنان مسئولان آب منطقه‌ای و جهاد کشاورزی، دشت‌های دشتستان یکی پس از دیگری به دشت‌های ممنوعه تبدیل شده‌اند تا جایی که کاشت هرگونه درخت نخل در آنها ممنوع شده است. بنابراین چه با احداث پتروشیمی و چه بدون آن، کشاورزی دشتستان حال و روز خوشی را سپری نمی‌کند و تا چند سال دیگر همین کشاورزان فعلی هم دیگر نمی‌توانند زمین‌هایشان را کشت کنند و یا نخلستان‌هایشان را آبیاری کنند. بدین ترتیب همین مسئولانی که امروز با احداث پروژه‌هایی مانند پتروشیمی دشتستان مخالفت می‌کنند باید جوابگوی خیل عظیم بیکاران امروز و فردای این شهرستان باشند.

ایجاد توسعه، یکی دیگر از مزیت‌های احداث پتروشیمی در یک منطقه است. همان‌گونه که می‌دانیم، وجود پروژه‌های بزرگ در یک منطقه، علاوه بر ایجاد اشتغال به صورت مستقیم، زمینه ایجاد اشتغال غیرمستقیم مردم و همچنین توسعه در سایر بخش‌ها را فراهم می‌آورد

بنابراین به عقیده نگارنده، مسئولان و مردمی که با احداث این پروژه با جدیت مخالفت می‌کنند، بهتر است به جای این مخالفت‌ها، راهکارهایی برای تأمین آب پتروشیمی از طریق دریا و یا تامین آب شرب و کشاورزی مردم بدهند تا در سال‌های آتی و نه چندان دور پاسخ درخوری برای بیکاران احتمالی این منطقه داشته باشند. ضمن این‌که شهرستان دشتستان سال‌های زیادی است که پروژه درخور و شایسته‌ای را به خود ندیده و مخالفت با اینچنین پروژه‌هایی می‌تواند حسرتی همیشگی را برای مردم و حتی خود مخالفان پروژه به دنبال داشته باشد.

مزایای احداث پتروشیمی دشتستان

و اما مزایای احداث پتروشیمی دشتستان؛ بی‌شک هنگامی که از احداث پتروشیمی در یک منطقه سخن می‌گوییم، اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌شود ایجاد اشتغال است. بنابراین می‌توان اولین مزیت احداث این پروژه را اشتغال جوانان بومی در این پروژه، در مراحل ساخت، بهره‌برداری و مرحله فروش و بازار عنوان کرد.
ایجاد توسعه، یکی دیگر از مزیت‌های احداث پتروشیمی در یک منطقه است. همان‌گونه که می‌دانیم، وجود پروژه‌های بزرگ در یک منطقه، علاوه بر ایجاد اشتغال به صورت مستقیم، زمینه ایجاد اشتغال غیرمستقیم مردم و همچنین توسعه در سایر بخش‌ها را فراهم می‌آورد. برای مثال، ایجاد اشتغال در پتروشیمی تنها مربوط به خود ساختمان آن نیست. مباحثی نظیر اسکان کارکنان و هتل‌ها، بحث حمل و نقل و بهبود راه‌ها و... نیز با احداث پتروشیمی می‌تواند به مرور زمان در منطقه دچار تحول شود، ضمن این‌که احداث یک پروژه بزرگ و بهره‌برداری از آن به زیرساخت‌هایی نیاز دارد و ایجاد این زیرساخت‌ها، زمینه جذب سرمایه‌ها و پروژه‌های دیگر را در منطقه فراهم می‌کند؛ همه این موارد در نهایت می‌تواند به توسعه همه‌جانبه در منطقه منتهی شود.
سومین مزیتی که احداث پتروشیمی برای مردم این منطقه می‌تواند به ارمغان آورد، جنبه‌های اجتماعی این پروژه و کارهای عام‌المنفعه پتروشیمی به نفع مردم این شهرستان است. امروزه کار پتروشیمی‌ها و صنایع نفت و گاز در جهان فقط به تولید محصول و ایجاد آلودگی محدود نمی‌شود بلکه این صنایع با توجه به ماهیت کارشان موظف هستند به فضای پیرامونی خود توجه کرده و در قبال آن مسئول باشند. برای مثال آنها موظف به کاشت تعداد مشخصی درخت و ایجاد متراژ مشخصی فضای سبز هستند. علاوه بر این امروزه شرکت‌های فعال در این صنعت، علاوه بر حرکت در چارچوب قوانین، خودشان هم برای ایجاد ذهنیت مطلوب در مردم و جذب مشتریان، دایره فعالیت‌های عام‌المنفعه خود را گسترش داده‌اند؛ آنها دیگر شرکت‌های آلوده‌کننده محیط زیست نیستند، بلکه نام آنها به عنوان حامی تیم‌های ورزشی، حامی هنرمندان، حامی کودکان بی‌سرپرست، مؤسس دانشگاه، مؤسس مدرسه و... شنیده می‌شود.
مزیت چهارم احداث پتروشیمی در منطقه دشتستان و جذب نیروهای بومی در آن، کسب تجربه توسط جوانان این منطقه و ورود آنها به بخش‌های کلیدی و سِمَت‌های مدیریتی است؛ در واقع با ورود جوانان دشتستانی به این صنعت، می‌توان استعدادهای این منطقه را شناسایی و با آموزش آنها، مشکل کمبود نیروهای مدیریتی در صنایع نفت و گاز استان را رفع کرد.
احداث پتروشیمی در شهرستان دشتستان از جنبه‌های دیگری مانند توسعه صنایع تبدیلی جانبی، ایجاد رونق در شهرک صنعتی و... نیز حائز اهمیت است.
منبع؛ یارا نیوز

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



اعتراض دشتستان ژست محیط زیستی نبود

سعیده مهدی‌زاده

احداث پتروشیمی دشتستان در منطقه آبپخش از حدود دو سال پیش برای فعالان محیط زیست و مردم منطقه حساسیت برانگیز شده بود. مدت ها پیش از کلنگ زنی طرح، بارها و بارها به شکل های متعدد این دل نگرانی ها از طرف مردم منطقه و سمن های محیط زیستی به مسئولان انعکاس داده شده بود اما پاسخگویی متناسب از طرف مسئولان صورت نپذیرفت.

در این تجمع اعتراضی علاوه بر فعالان مدنی، کشاورزان و باغدارانی که نگران آینده کشاورزی منطقه بودند هم حضور داشتند پس نمی توان این حرکت را به یک ژست محیط زیستی تقلیل داد.

استان بوشهر در سال‌های اخیر به لطف مخازن نفت و گاز با شتاب زیادی جاده ی توسعه را پیموده است اما تب تند توسعه آن هم از نوع ناپایدارش صدمات جبران ناپذیری به طبیعت این استان وارد کرده که مثال بارز آن منطقه ی به شدت آسیب دیده ی عسلویه است. استان بوشهر زخمی توسعه ی ناپایدار است طوری که مردم پیش از این که برای افتتاح یک پروژه ی صنعتی هیجان زده شوند نگران تبعات منفی زیست محیطی آن هستند.

بازار شایعات و اتهام زنی از طرف موافقان و مخالفان تأسیس پتروشیمی بسیار داغ است، در این فضای غبارآلود نباید جریان اصلی را فراموش کرد اینکه قرار بود یک واحد صنعتی با حساسیت هایی خاص مثل پتروشیمی، با فشار مسئولین استانی توسط وزیر صنعت کلنگ زنی شود در حالی که هنوز تأییدیه های زیست محیطی آن توسط مبادی قانونی صادر نشده بود و به احتمال زیاد هیچ گاه صادر نخواهد شد! تعمیق در همین یک جمله به ما می گوید کار از کجا می لنگد.

ریسک سرمایه گذاری در استان را بالا بردند

خضر خلیلی دبیر انجمن مدیران صنایع موافق اجرای طرح پتروشیمی دشتستان:

واقعا مشخص نیست که معترضان نگران چه نوع خطر زیست محیطی برای منطقه هستند و تنها دلیلی که می آوردند این است که برای احداث پتروشیمی دشتستان مجوز نگرفتند. در حالی که طرح در کارگروه های استانی، موافقت اولیه برای اجرا گرفته و نزدیک دو سال است که پرونده محیط زیستی این پروژه در سازمان محیط زیست معطل مانده است. این معطلی هم به معنای این نیست که طرح غیرقابل اجرا است یا آلودگی شدیدی برای منطقه دارد بلکه بیشتر به خاطر پروسه های اداری بی دلیل سازمانی است. ضمن اینکه سازمان محیط زیست، قبل، حین و بعد از بهره برداری هر پروژه صنعتی اهرم کافی برای توقف پروژه دارد.

در صورت احداث پتروشیمی دشتستان، ارزش افزوده بیست روزه این مجموعه، معادل ارزش افزوده کل نخلستان های استان بوشهر در یک سال است؛ در عوض شاید یک صدم نخلستان‌های استان هم آب مصرف نکند.

منطقاً در شرایطی که تدبیری در کشاورزی و صیادی منطقه نیست، چاره ای نداریم که فشار اشتغال و درآمد را از صید و کشاورزی ویرانگر برداریم و به سمت صنعت ببریم. کشاورزی دشتستان نه شغلی ایجاد کرده و نه درآمد واقعی برای مردم داشته است.

هر کیلو خرما را با قیمت خوب بتوان ۳ هزار تومان فروخت در حالی که برای آن ۲۳۰۰ لیتر آب مصرف کرده است. ادامه این نوع کشاورزی بی مبالاتی نسبت به آینده فرزندان این منطقه است. فعال محیط زیست چرا نسبت به این بی برنامگی در کشاورزی و نخل داری دشتستان صدایش بلند نمی‌شود. جوسازی رسانه‌ای که در حواشی این اعتراض اتفاق افتاد، یک نقطه نگران کننده را باقی می‌گذارد و آن آسیبی است که این حرکت به مجموعه اقتصادی استان بوشهر می رساند. اگر این ذهنیت جا افتاد که بوشهر استانی است که از لحاظ اجتماعی برای سرمایه گذاری دردسرساز است علامت بدی برای سرمایه گذاران است و خسارتش از ده تا پتروشیمی بالاتر است.

بدرود محمود جهان دوست داشتنی

شاهین بهرام نژاد



تنها صداست که می ماند
دیگر کسی به گرمای صدایت به هموطنان سلام نخواهد کرد.
در داغ ترین هنگامه ی سال، مرداد داغ بر سینه ی خنیاگران عشق نهادی و رفتی.
تو که حنجره ات تمام مغناطیس جهان را در خود نهفته داشت تا با "باربارونی" خواندنت، طراوت دلها باشی. نوروز را ارمغان دهی با "اتوبوسها زیر بارِن" و نجواگرِ دل عاشق صیاد باشی با "دریا دریا" گفتنت.
سلام کَردی به اهلِ وطن و حالا این هموطن از تو می خواهد که سلامش را به خدا برسانی.
بدرود محمود جهان دوست داشتنی.
ارادتمند همیشه ات؛ شاهین بهرام نژاد

در نامه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان به وزیر کشور مطرح شد:

آنها که بدنبال تعیین تکلیف مدیریت استان بوشهر در پایتخت هستند، هیچ نمایندگی از جبهه اصلاحات استان ندارند

محضر مبارک وزیر محترم کشور در دولت دوازدهم
با عرض سلام و تحیات وافر
احتراما با تبریک آغاز بکار دولت دوازدهم در نهایت آرامش و همدلی ملت بزرگ ایران اسلامی، آن هم در یکی از حساس ترین برهه های تاریخ انقلاب و در ایامی که منطقه و جهان در اوج تشنج و ناامنی بسر می برد، به استحضار می رساند شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان بوشهر که با افتخار، مشی فکری و سیاسی خود را برگرفته و در امتداد اندیشه های اصلاحی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه می داند، تا لحظه نگارش این نامه، که از مصوبات آخرین نشست شورای هماهنگی به تاریخ یازدهم مرداد ماه نود و شش شمسی است، هیچ گونه بحث و تبادل نظری پیرامون مدیریت استان در هیچ سطحی در دولت جدید نداشته و هرگونه ادعایی توسط هر فرد و جریانی تحت عنوان نمایندگی از جبهه اصلاحات استان که در مرکز و نزد شخصیت های سیاسی اصلاح طلب و اعتدالی مطرح شده باشد را نظر شخصی افراد دانسته مورد تأیید این شورا نمی باشد. بدون تردید در صورت لزوم و نظرخواهی از جریان تأثیرگذار اصلاحات در انتخابات نود و شش، پیرامون حفظ وضع موجود یا ایجاد تغییراتی در سطوح مختلف مدیریتی استان، شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان بوشهر با نظرخواهی از بدنه فراگیر اصلاح طلبی در سطح استان و حدالمقدور با هماهنگی و تفاهم با ستاد انتخاباتی جناب آقای دکتر حسن روحانی که عمدتا از نیروهای اصلاح طلب و اعتدالی شکل گرفته است، نظر خود را رسما، شفاف و بدور از تصمیمات محفلی و پنهانی، به آن وزارتخانه محترم اعلام خواهد کرد.
لذا ضمن اعلام برائت از عمل مدعیانی که بدور از اخلاق سیاسی تحت عنوان نمایندگی از جبهه اصلاحات استان بوشهر در مرکز ظاهر شده و به دنبال تعیین تکلیف برای مردم استان می باشند، مستدعی ست با عنایت و نظرداشت این مرقومه مراجعین گذشته، حال و من بعد را که احتمالا کم هم نخواهند بود، توجیه فرمایید.
با سپاس و آرزوی توفیق برای دولت جناب آقای دکتر روحانی

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات استان بوشهر

پلاژهای آقایان و بانوان با حمایت بخش خصوصی در شهرهای ساحلی بوشهر ساخته شود

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری بوشهر گفت: پلاژهای آقایان و بانوان با همکاری شهرداری‌ها و حمایت بخش خصوصی در شهرهای ساحلی این استان ساخته شود. به گزارش ایرنا، عبدالکریم گراوند در نشست ساماندهی سواحل استان بوشهر افزود: برای برطرف کردن مشکلات زیست محیطی و ورود فاضلاب به دریا، باید شبکه و سیستم فاضلاب شهری در مرکز استان و سایر شهرستانهای ساحلی استان بوشهر به صورت کامل اجرایی شود که این امر در اولویت کاری استان است. به تازگی بازدید و بررسی فنی از پلاژ آقایان و بانوان بوشهر صورت گرفته است که طبق گزارشها باید دستگاههای مربوط نسبت به برطرف کردن کاستی های موجود درکوتاه ترین زمان اقدام کنند. در زمان حاضر نیز مکان هایی که در شهر بوشهر دارای سیستم فاضلاب شهری هستند باید ساکنان آن مناطق به شبکه فاضلاب شهری متصل شوند. باید اقدام های فرهنگی در حوزه محیط زیست و ساماندهی فاضلاب شهری در اولویت برنامه های صدا و سیمای مرکز بوشهر و سازمانهای مردم نهاد قرار گیرد. همچنین با برنامه ریزی مناسب و با همکاری شهرداری و حمایت بخش خصوصی پلاژهای آقایان و بانوان احداث شود.

نگاه کارشناس :

مخاطرات زیست محیطی پتروشیمی دشتستان

دکتر غلامحسین خلیلی کارشناس نخبه شیمی کشور است که با درجه عالی در مقطع دکتری از دانشگاه تربیت مدرس فارغ التحصیل شده و هم اکنون به دعوت دانشگاه ولنگونگ استرالیا عضو یک تیم برجسته تحقیقاتی است که در خصوص بهسازی واکنش های شیمیایی در سلولهای خورشیدی تحقیق می کنند. دکتر خلیلی متولد بخش دلوار تنگستان است و از مدرسه سعادت دیپلم گرفته و دوره های کارشناسی، ارشد و دکترا را در دانشگاههای تبریز و تربیت مدرس گذرانده‌اند. متن زیر را از وی در خصوص مخاطرات پتروشیمی دشتستان می خوانید:

صنایع پتروشیمی در مقایسه با دیگر رشته های صنایع نفت پیچیدگی و مخاطرات بیشتری دارد. مثلا در پالایشگاهی های گاز عموما فرآیند جداسازی و تصفیه گاز انجام می گیرد و عملیات پیچیده شیمیایی در آنها صورت نمی پذیرد. در نتیجه پساب های صنعتی این مجتمع ها عموما منحصر می شود به گوگرد که به راحتی قابل کنترل و استفاده مجدد است. در واحدهای پتروشیمی اما فرآیندها و یا واکنش های شیمیایی متعددی طراحی و اجرا می شود تا محصول نهایی تولید شود. در نتیجه پساب های صنعتی که اینجا برجای می ماند، عموما برای محیط زیست خطرناک و مضر هستند و دفع ایمن آنها نیاز به تکنولوژی بالا و البته احساس مسئولیت فوق العاده مدیریت این مراکز دارد. در فرآیند تهیه پلیمر پلی استال که یک پلیمر پر کاربرد و البته قدیمی است، حساسیت های زیست محیطی بایستی در اولویت قرار گیرد زیرا ماهیت مواد تشکیل دهنده و بخصوص "فرم آلدهید" مطابق بسیاری از استانداردهای معتبر جهانی دارای ریسک زیاد و خاصیت سرطانزایی قویی دارد.

این ترکیب -فرم آلدهید- اگر وارد سیستم آب های زیرزمینی و خاک گردد، باعث آلودگی غیر قابل جبرانی می شود زیرا این ماده حتی اگر با خاک و یا آب رقیق هم شود، باز هم به عنوان یک ماده شیمیایی فعال، نقش تخریبی زیادی خواهد داشت. در هنگام خرید تکنولوژی تولید پلیمر پلی استال، مهم ترین و حساس ترین بخش که دقت و حساسیت بالای را می طلبد، بخش تصفیه پساب و ضایعات مجتمع است. و لازم است تکنولوژی و یا ماشین آلاتی خریداری شوند که حتی المقدور خروجی پساپ آن از درصد پایینی از فرم آلدهید برخوردار باشد. و همچنین در مرحله دوم این ماده در واحد تصفیه به ترکیبات دیگر با درجه سمیت کمتر تبدیل شده، تا امکان دفع ایمن آن فراهم شود. اگر بخش تصفیه پساب مجتمع خارج از معیارهایی اقتصادی و بر اساس احساس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی و حقوقی مورد بازرسی های ویژه‌ای صورت گیرد بسیاری از مشکلات زیست محیطی این مجتمع ها قابل حل خواهد بود.

متاسفم که بگویم به عنوان نمونه هیچ یک از پتروشیمی مستقر در عسلویه واحد تصفیه مستقل و کارآمد ندارند و تمامی پساب های مختلف با درصد ترکیبات گوناگون به پتروشیمی مبین ارسال می شود که وظیفه تصفیه پساب های دیگر پتروشیمی ها را دارد. طبیعی است که این پتروشیمی نتواند تمامی این خروج های مختلف را به شکل مناسبی تصفیه نماید و و ناچارا به نحوی خطرناک پساب ها را دفع می نماید.

خبر خوش برای سپرده گذاران مؤسسه آرمان

سعید زرین فر معاون اقتصادی استانداری بوشهر اعلام کرد: خوشبختانه تکلیف مؤسسات غیر مجاز خصوصا آرمان وحدت نهایی شد.

به گزارش نگین جنوب وی افزود: براساس اعلام رئیس بانک مرکزی و سهامداران اصلی، آرمان وحدت در مؤسسه ملل که دارای مجوز می باشد، ادغام گردیده و بزودی تابلوها تغییر و دفترچه های جدید و کارت اعتباری صادر خواهد شد. همچنین همانطور که در گذشته نیز توقع می رفت، شعبات باز و امور عادی را انجام و پاسخگوی مردم خواهند بود.

زرین فر اظهار داشت: نکته قابل ذکر آنکه در این زمینه تلاشهای زیادی توسط مدیران دولتی از جمله استاندار بوشهر در انعکاس و پیگیری مشکلات سپرده گذاران انجام گرفت که خوشبختانه نهایتا منجر به نتیجه شد.

آموزش وزارت نفت برای ۶۰۰ جوان جنوب استان بوشهر

الماسی نماینده مردم شهرستانهای دیر، کنگان، جم و عسلویه در مجلس شورای اسلامی گفت: به دنبال رایزنی با مسئولان وزارت نفت، مقرر شده است این وزارتخانه ۶۰۰ نفر از جوانان و کارجویان این شهرستان‌های جنوبی استان بوشهر را با هزینه خود آموزش و در اولویت استخدام قرار دهد.

افزایش ۱۰ درصدی نرخ کرایه تاکسی‌ها در بوشهر

مدیرعامل سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری بوشهر گفت: نرخ کلیه تاکسی های درون شهری اعم از گردشی، بیسیم و پایانه مسافربری و فرودگاه طبق مصوبه شورای شهر حداکثر تا ۱۰ درصد افزایش یافته و از ۱۵ مرداد قابل اجرا می باشد.

مرگ صیاد بوشهری در آبهای خلیج فارس

علی ماهینی خدمه ۳۵ ساله یک لنج که برای صید میگو در آبهای خلیج فارس بوده، به دلیل ایست قلبی فوت شده و به اسکله جلالی بوشهر منتقل شد.

آقای طارمی! مردمداری و حفظ اصالت بوشهری را فراموش نکن



حمید حیدری: بعد از مدت ها دوست دارم که قلم بدست گرفته و چیزی بنویسم. بعد از مدت ها باز هم اشتیاق نوشتن را در وجود خود می بینم. اما نوشته من برای کیست؟ چه کسی اشتیاق نوشتن را در وجود من بیدار کرده است؟

بله آقای طارمی! تنها به عنوان یک جوان جنوبی و از دیار دلیرمردان بوشهری مرا تشویق نمودید تا قلم بدست گرفته و مطلبی را به رشته تحریر درآورم.

آقای طارمی! این را تنها برای تو می نویسم و دوست دارم همراهی نموده و از تک تک کلمات بهره مند و زبان خیرخواهی مرا دریابی.

پیرامون شما حرف های ضد و نقیض بسیاری شنیده ام. اما قضاوت من در مورد شما به صحبت های درگوشی دیگران مربوط نمی شود. من شما را با اندیشه خودم قضاوت می کنم.

عمر قهرمانی کوتاه ست. آنچه که می ماند و ذهن ها را به خود مشغول و خاطرات را می سازد کرداری است که انسان ها از خود نشان می دهند.

آقای طارمی شما به عنوان یک جوان بوشهری که هنوز خاصیت های جنوبی را در خود محو ننموده، به عنوان یک الگوی موفقیت شناخته شده اید. حرکات، سخنان، لباس پوشیدن ها، رفت و آمدها، انتخاب دوستان و همه و همه در برابر دیدگاه مردم قضاوت می شود. اینک مهدی طارمی تنها برای خود و خانواده اش نیست. بلکه به اجتماعی بستگی دارد که از آن آمده و نام و نشان گرفته است. یک جوان بی نام و نشان بوشهری در مدت کوتاهی برای خودش آوازه ای بهم زده است! تصمیم می گیرد، حرف های گنده و آنچنانی می زند. برای بازی در اروپا ثانیه ها را می شمارد.

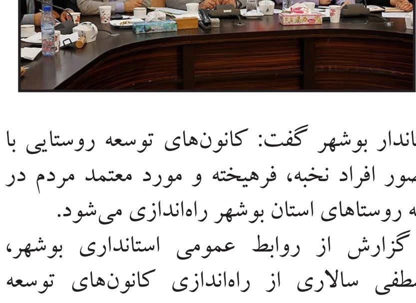
برای گل زدن، طاقتش کم شده است. پنالتی های حساسی را که برای همه مهم است، سرسری می نوازد و برای خبرنگاران زحمتکشی که با نوشته ها و چاپ عکس های خود، امثال او را بزرگ کرده اند، درشتی می کند. اینجاست که باید گفت: آقای طارمی چنین شتابان به کجا داری می روی؟ مسیرت کجاست؟ نکند که راه را گم کرده و خیلی زود مثل خیلی های دیگر که به حق واقعی خود نرسیدند، فراموش شوی. عمر قهرمان کوتاه است. برای بزرگ ماندن باید بزرگواری نمود.

چندی پیش با چشمان خودم دیدم که دوربین های تلویزیون تصاویری را مخابره کردند که شما (مهدی طارمی) همراه با فردی در خودرویی نشسته و خبرنگاران که دور تا دور شما حلقه زده و قصد مصاحبه و ضبط برنامه را داشته بی توجهی نمودید. آن آقا شیشه سمت راننده را بالا کشید در حالی که شما (مهدی طارمی) در خودرو با گوشی همراه خود مکالمه می کردید! گویا آب از آب تکان نخورده است! براستی چرا؟ چرا حرمت گذاشتن به دیگران در جامعه ما در حال نابودی است؟

آقای طارمی! بازی در تیم های سرخابی و قرار گرفتن میان دو فروارد تیم ملی و حتا بازی در اروپا نمی تواند انتهای آرزوها باشد. آنچه که می تواند شما را به نوک قله برساند همانا مردمداری و حفظ اصالت بوشهری است.

برای در اوج ماندن باید حرفه ای زندگی کرد. حرفه ای مصاحبه و گفتگو نمود و حرفه ای در میادین ظاهر شد. و این ها میسر نمی شود، مگر با اخلاق گرایی و بکار بردن الفاظ و گفتار و کردار نیک که از شما ترسیم گردد.

کانون‌های توسعه روستایی در استان بوشهر راه‌اندازی می‌شود



استاندار بوشهر گفت: کانون‌های توسعه روستایی با حضور افراد نخبه، فرهیخته و مورد معتمد مردم در همه روستاهای استان بوشهر راه‌اندازی می‌شود.

به گزارش از روابط عمومی استانداری بوشهر، مصطفی سالاری از راه‌اندازی کانون‌های توسعه روستایی در استان بوشهر خبر داد و اظهار کرد: کانون توسعه روستایی در تمام روستاهای استان بوشهر با حضور افراد نخبه، فرهیخته و مورد معتمد مردم راه‌اندازی می‌شود. استاندار بوشهر، با بیان اینکه در هر روستا یک کانون توسعه روستایی راه‌اندازی می‌شود گفت: در این کانون‌ها علاوه بر اعضای شوراها، ۵ نفر افراد نخبه، فرهیخته و مورد اعتماد مردم عضو هستند که مجموعه کانون هر بخش، با مشارکت این اعضاء، انجمن توسعه روستایی در بخش تشکیل می‌دهند.

سالاری، تقویت پیوند مردم روستا با مسئولان و بررسی مطالبات و مشکلات روستاها را از اهداف تشکیل کانون‌های توسعه روستایی دانست و افزود: جلسات بررسی مشکلات روستاها،در انجمن توسعه روستایی بخش با حضور اعضای کانون‌های توسعه روستایی تشکیل می‌شود.

مردم در هنگام خرید میگو به شاخصه‌های تازگی و سلامت آن توجه کنند

معاون سلامت دامپزشکی استان بوشهر شرایط بهداشتی و ظاهری میگو در هنگام خرید و معیارهای تعیین تازگی میگو را تشریح کرد. محمد مهدی سیمرونی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: از دیرباز همزمان با آغاز صید میگو همواره مردم این دیار اشتیاق فراوانی برای خرید و مصرف این آبزی داشته‌اند که باید نکاتی را در خصوص ضوابط بهداشتی این محصول رعایت کنند. در هنگام خرید میگو به شاخصه‌هایی همچون رنگ، سر و سینه و دم میگو، پاها، پوسته و آنتن‌ها، چشم‌ها، بوی میگو و گوشت آن باید توجه کرد.

سیمرونی گفت: رنگ میگوی مطلوب هنگام خرید باید طبیعی، روشن و کاملا عاری از رنگ تیره باشد و سیاه شدگی سر، سینه و دم و پوست نشانه کهنگی و فاسد بودن میگو است. سر و سینه و دم میگو باید محکم و کاملاً متصل به هم باشد و اگر از هم جدا باشند نشانه فاسد بودن میگو است. پوسته و آنتن‌های میگوی سالم باید کاملا سفت و محکم باشد و اگر آنتن‌ها و پاها از همدیگر جدا شود و مقداری از پوست هم جدا شود این نشانی از کهنه و فاسد بودن میگو است. چشم‌های میگوی سالم باید روشن، براق و محکم باشد ضمن اینکه بوی جلبک‌های دریایی یا آب دریا و داشتن گوشتی سخت و آبدار، سفید و درخشنده نشانه میگوی سالم است. سیاه شدگی گوشت دم، سر و سینه، تا حدودی رنگ زرد مایل به سبز در گوشت دم نشانه‌هایی از فاسد بودن میگو است.